



لایحه حقوقی زنان

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی¹

بازنویسی ششم: ۱۱ اسفند ۱۴۰۳

برای نخستین بار در ۱۷ هفدهم اسفند ۱۴۰۱ منتشر شد.

پیشگفتار

جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سپتامبر ۲۰۲۲ با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زن جوان کرد ایرانی که توسط گشت ارشاد به بهانه رعایت نکردن حجاب کامل بازداشت شده بود، آغاز شد. اعتراضی که به قوانین اجباری حجاب و تبعیض سیستماتیک علیه زنان شروع شد، به سرعت به درخواست گسترده‌تر برای سرنوشتی رژی می تبدیل شد که مشروعیت خود را در چشم مردم از دست داده بود.

ایرانیان در داخل و خارج کشور همبستگی بی‌سابقه‌ای از خود نشان دادند. در داخل ایران، جوانان سازمان‌دهی اعتراضات پراکنده و گسترده، نیروهای سرکوب را دچار فرسایش و ناتوانی در مهار اعتراضات کردند. در همین حال، ایرانیان در دیاسپورا، در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و دیگر نقاط جهان با گرد هم آمدن هفتگی خود تظاهرات عظیمی برپا کردند. از اروپا و هند تا سنگال، جامعه مدنی جهانی حمایت خود را از زنان ایرانی نشان داد و همبستگی فوق‌العاده‌ای را به نمایش گذاشت. تظاهرات در سراسر ایران با سرکوب وحشیانه دولت مواجه شد که بیش از ۵۰۰ کشته، شمار بسیاری مجروح - به ویژه نابینا کردن دختران - و بیش از ۲۰ هزار بازداشت به همراه داشته است.

از همان ابتدا، بسیاری از ما احساس کردیم که تغییر اگر چه نه فوری، حداقل در افق نه چندان دور اجتناب‌ناپذیر است. بادرک اهمیت این لحظه سرنوشت‌ساز، گروهی از کنشگران برجسته جنبش زنان، دانشگاهیان و وکلای حقوق بشر تصمیم گرفتند، چشم‌اندازی برای آینده طراحی کنند و سند حقوقی جامع مربوط به زنان، برای منظور کردن در قانون اساسی آینده ایران پس از گذار از جمهوری اسلامی، را تدوین کنند. به‌طور تاریخی، زنان با وجود مشارکت قابل توجه‌شان در انقلاب‌های گذشته، از حقوق شهروندی برابر در قانون اساسی محروم شده بودند. این بار، ما مصمم هستیم که صدایمان شنیده شود و حقوق برابر و کرامت انسانی برای همه شهروندان تضمین گردد.

با این هدف، گروهی از کنشگران فمینیست گرد هم آمدند تا «لایحه حقوق زنان ایران» را تدوین و تفسیر کنند که چگونه شعار «زن، زندگی، آزادی» در قانون اساسی آینده محقق شود. این ابتکار عمل، زنان فمینیست، وکلا و دانشگاهیان از داخل ایران و دیاسپورا را کنار هم جمع کرد. محبوبه عباسقلی‌زاده از چند تن از زنانی که در کمیته تدوین منشور زنان ایران در سال ۲۰۰۹ حضور

¹ شعار «زن، زندگی، آزادی» از شعار کردی زن، ژینا، آزادی سرچشمه می‌گیرد که یک ندای فمینیستی طولانی مدت برای حقوق زنان، تقدس زندگی، و آزادی و برابری است. مرگ ژینا (مهسا) امینی، یک زن کرد ایرانی تحت بازداشت پلیس در سپتامبر ۲۰۲۲ این شعار را در اعتراضات توده‌ای ایران که پس از آن به وقوع پیوست، احیا کرد و ترجمه آن به فارسی به عنوان زن، زندگی، آزادی تبدیل به فریاد تجمعی شد که در برابر تبعیض‌های در هم تنیده شده، نابرابری جنسیتی، ستم بر اقلیت‌های قومی، بی‌عدالتی اقتصادی، و سیاست استبدادی مقاومت می‌کنند.

داشتند، دعوت کرد تا به ما بپیوندند و تجربه ارزشمندشان را به اشتراک بگذارند.² در پایان اکتبر 2022، گروه متنوعی از فمینیست‌های جوان و با تجربه برای شروع این کار حیاتی گرد هم آمدند.

ما جلساتی را برگزار کردیم تا ارزش‌های بنیادی و چارچوب لایحه حقوق را بررسی کنیم. به‌منظور افزایش مشارکت همگانی، تصمیم گرفتیم از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کنیم تا متن نه‌تنها برای حقوق‌دانان، بلکه برای تمامی زنان و عموم مردم قابل درک و استفاده باشد. چندین کمیته، از جمله کمیته‌های تدوین و پژوهش، تشکیل شد. ما از کمیته‌ی مشورتی متشکل از چندین کارشناس قانون اساسی ایرانی و غیر ایرانی، دعوت کردیم. متن به‌طور همزمان به زبان‌های فارسی و انگلیسی تهیه شد تا دسترسی همگانی فراهم شود، هدف ما این بود که اولین نسخه را در ۸ مارس ۲۰۲۳، روز جهانی زن و سالگرد اعتراضات زنان ایرانی علیه حجاب اجباری، در سال 1357/1979 منتشر کنیم.

پس از بحث‌های گسترده، تصمیم گرفته شد گروه را با عنوان «همبود فمینیستی برای زن، زندگی، آزادی» معرفی کنیم. هدف ما این بوده است که این لایحه‌ی حقوقی را به صورت دوره‌ای بر اساس بازخوردهای عمومی بازنگری و به‌روزرسانی کنیم. تا پایان نوامبر ۲۰۲۲، شرکت‌کنندگان لیست‌های پیشنهادی خود را ارسال کردند و کمیته تدوین، کار خود را آغاز کرد و بخش‌های آماده شده را برای بازبینی به اشتراک گذاشت. از طریق تلاش‌های جمعی، اولین نسخه تکمیل و طبق برنامه منتشر شد.

این متن در پلتفرم‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی توزیع شد و اعضای کمیته‌ی تدوین در مصاحبه‌های رسانه‌ای شرکت کردند تا مفاد لایحه را اطلاع رسانی کنند. در ۲۵ مارس ۲۰۲۳، این سند در یک گردهمایی بزرگ از دانشگاهیان ایرانی و مدافعان دموکراسی کثرت‌گرا در دانشگاه استنفورد ارائه شد. وبینار دیگری در ۱۵ آوریل در دانشگاه تورنتو برگزار شد که بیش از ۲۲۰ شرکت‌کننده داشت، از جمله زنان ایرانی در دیاسپورا در سراسر جهان و از داخل ایران و افغانستان. شرکت‌کنندگان بازخورد گسترده‌ای ارائه دادند که راهنمای اصلاحات بعدی شد. همچنین درخواست‌هایی از زنان منطقه و جوامع دیاسپورا برای برگزاری وبیناری مشابه به زبان انگلیسی دریافت کردیم که امیدواریم در آینده آن را برگزار کنیم.

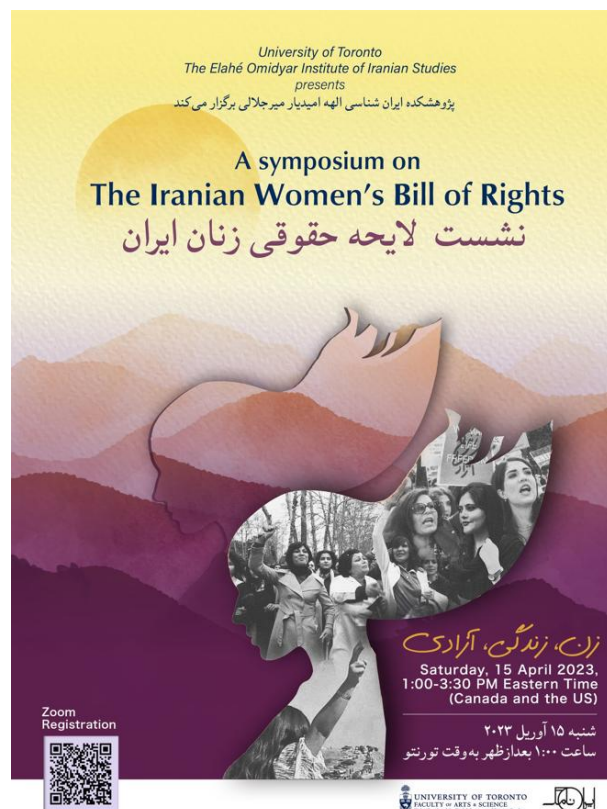
از آن زمان تاکنون، جلسات حضوری در شهرهایی مانند لندن، استانبول، برلین، تورنتو و مونترال برگزار شده است. اگرچه نگرانی‌های امنیتی مانع از ارائه جزئیات درباره بحث‌های جمعی داخل ایران می‌شود، ما همچنان بازخورد ارزشمندی از شرکت‌کنندگان داخل کشور دریافت می‌کنیم.

نسخه فعلی این سند که بازنگری و ویرایش ششم است، حاصل بیش از 120 بازخورد کتبی و صوتی و چندین وبینار است. این فرآیند همکاری، نشان‌دهنده تعهد ما به تدوین چارچوبی مستحکم، جامع و فراگیر برای حقوق زنان در ایران دموکراتیک آینده است. در آینده، قصد داریم بر موضوعات خاصی مانند عدالت انتقالی، نمایندگی برابر سیاسی و قوانین انتخاباتی تمرکز کنیم.

² زنان ایرانی با تکیه بر تحقیقات گسترده و مشورت با زنان از استان‌های مختلف، منشور زنان را با هدف پرداختن به حقوق و مطالبات آنان تدوین کردند. این منشور به‌طور رسمی در دوره انتخابات درخرداد 1388 (ژوئن ۲۰۰۹) رونمایی شد. با این حال، ناآرامی‌های سیاسی پس از انتخابات منجر به دستگیری و زندانی شدن بسیاری از فعالان زن شد و بسیاری دیگر مجبور به انتخاب تبعید خود خواسته در مقابله با زندانی شدنشان گشتند. در نتیجه، این منشور هرگز نهایی نشد و شمار فزاینده‌ای از زنان به این نتیجه رسیدند که اصلاحات سیاسی معنادار در چارچوب رژیم موجود امکان‌پذیر نیست.

نسخه کامل این سند در وبسایت www.iwbr.org قابل دسترسی است. از همه خوانندگان و علاقه‌مندان دعوت می‌کنیم نظرات و پیشنهادات خود را از طریق وبسایت contact@iwbr.org برای ما ارسال کنند.

از طرف کمیته تدوین
هما هودفر



- فهرست واژه های اختصاری:
- اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 (UDHR)،
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (ICCPR) ،
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (ICESCR) ،
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW) ،
- کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ (UNCAT)،
- اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ (DEVAW) ،
- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNCRC) ،
- قطعنامه شورای امنیت در مورد زنان، صلح و امنیت (قطعنامه ۱۳۲۵) در سال ۲۰۰۰ و قطعنامه‌های مرتبط که به طور جمعی "دستورکار زنان، صلح و امنیت (WPS Agenda) "را تشکیل می‌دهند، شامل:
- قطعنامه ۱۸۲۰ (۲۰۰۸): مقابله با خشونت جنسی به عنوان سلاح جنگی و ارائه اقدامات برای حفاظت از زنان و دختران در طول درگیری‌های مسلحانه.
- قطعنامه ۱۸۸۸ (۲۰۰۹): تقویت اقدامات مقابله با خشونت جنسی در درگیری‌های مسلحانه، از جمله تعیین نماینده ویژه برای موضوع خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۱۸۸۹ (۲۰۰۹): تاکید بر مشارکت زنان در بازسازی و ایجاد صلح و بهبودی پس از درگیری.
- قطعنامه ۱۹۶۰ (۲۰۱۰): ایجاد سازوکارهای پاسخگویی برای مقابله با خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۲۱۰۶ (۲۰۱۳): تأکید بر لزوم عدالت و پاسخگویی در برابر خشونت جنسی و برجسته کردن نقش زنان در پیشگیری و حل منازعات.
- قطعنامه ۲۱۲۲ (۲۰۱۳): ترویج رهبری زنان و مشارکت آن‌ها در پیشگیری از منازعات، حل منازعات و فرآیندهای صلح.
- قطعنامه ۲۲۴۲ (۲۰۱۵): ادغام دستورکار زنان، صلح و امنیت در استراتژی‌های گسترده‌تر سازمان ملل، از جمله مقابله با تروریسم و تغییرات اقلیمی.
- قطعنامه ۲۴۶۷ (۲۰۱۹): تقویت رویکردهای حمایتی در مورد کسان آسیب دیده در راستای رسیدگی به خشونت جنسی در درگیری‌ها.
- قطعنامه ۲۴۹۳ (۲۰۱۹): تاکید بر تعهدات دستورکار زنان، صلح و امنیت و درخواست برای تسریع در اجرای این قطعنامه‌ها.

- قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) و قطعنامه‌های پس از آن، به طور کلی با هدف حفاظت از زنان و دختران در شرایط درگیری، پیشگیری از خشونت، و تضمین مشارکت آن‌ها در فرآیندهای صلح‌سازی و تصمیم‌گیری تصویب شده‌اند.

- این موضوع توسط سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، هرچند که تاکنون به‌عنوان یک قطعنامه مستقل تصویب نشده است. با این حال، با استناد به کنوانسیون‌های موجود مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و دستورکار زنان، صلح و امنیت، خشونت علیه زنان در سیاست محکوم شده و از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۵۸/۱۴۲ (۲۰۰۳) و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ (SDG 5) بر اهمیت مشارکت سیاسی زنان تأکید می‌کند.

دیباجه: زمینه تاریخی

در طول تاریخ، زنان توسط سنت های فرهنگی و ساختار های اجتماعی که اغلب به نام و پشتیبانی دین قوام می گرفتند، از عرصه عمومی کنار گذاشته می شدند، اما به رغم این محدودیت ها، زنان همواره با نقش آفرینی موثر خود در جنبش های تحول خواه تاریخ به ویژه تاریخ مدرن از جنبش تنباکو (۱۸۹۰-۱۸۹۲) تا انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱) و انقلاب ۱۳۵۷ بخش جداناپذیر این جنبش ها بوده اند، اما هر بار پس از پیروزی این جنبش ها زنان را از برخورداری از حقوق اولیه بشری و شهروندی محروم کردند، کما این که زنان در قانون اساسی مشروطه در زمره کودکان و مجنونان قرار داده شده بودند. محرومیت سازی زنان در انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ به اوج رسید، به طوری که بسیاری از حقوقی که زنان طی سال ها در دوران مدرن سازی پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹) به تدریج به دست آورده بودند، را از آن ها سلب کردند.

هر چه بیشتر عرصه عمومی برای زنان تنگ ترمی شد، آنان برای دستیابی به حقوق خود با شدت بیشتری به مبارزه بر می خاستند. زنان زود تر از همه دریافتند که نگرش و ایدئولوژی رهبران سیاسی در قامت دین به سلب آزادی ها و حقوق اولیه انسانی تعرض کرده است و از همان اولین روز های پس از انقلاب زنان در اسفند ۱۳۵۷ یک روز بعد از فرمان خمینی برای حجاب اجباری به طور خودجوش و به اعتراض به تظاهرات خیابانی برخاستند. زنان متوجه بودند که رژیم، بدن آن ها را به عنوان اسلحه و هویت ایدئولوژیک سیاسی خود در نظر دارد. زنان با وجود انواع تهدید ها بر جان، جایگاه، منزلت و کرامت انسانیشان به انواع مبارزه مدنی از روزمره تا سازماندهی شده دمی باز نایستادند. به رغم اعمال فشار ها زنان همچنان به حضور خود در عرصه عمومی ادامه دادند. آن ها پیوسته در میدان مبارزه حضور داشتند به سازمان دهی، حرکت مردمی، لابی گری، نگاشتن نامه های سرگشاده و طومار های اعتراضی، انتشار منشور زنان (۲۰۰۹)، شرکت در اعتراضات خیابانی، پیشتازی در تحصیلات و هنرها، و به چالش کشیدن مرز های سنتی، از جمله در ورزش و پوشش، به طور گسترده پرداختند. به تشکیل کمپین های متعدد از جمله کمپین مبارزه با مجازات سنگسار، کمپین سلامتی برای همه، کمپین علیه لایحه خانواده، کمپین حق ورود به ورزشگاه، کمپین با هم علیه اسیدپاشی، پیش نویس منشور زنان و کمپین توقف قتل های "ناموسی" و غیره پرداختند. هدف اصلی زنان در تمام این مبارزات "داشتن حق شهروندی برابر، حقوق بشر بنیادی و خود مختاری بر بدنشان بود". زنان می خواستند از قید و بند های پدر-مردسالارانه ای که تحکیم بخش رژیم اسلامی است رهایی یابند.

پاسخ رژیم به مبارزات مسالمت آمیز زنان مقابله خشن و سرکوب بود. بی توجهی رژیم به خواسته ها و پاسخ های معنادار و سرکوب بی رحمانه اش منجر به شکل گیری جنبش فراگیر «زن، زندگی، آزادی» شد. جنبشی که زنان به طور علنی و با عملکردی نمادین، حجاب اجباری را، که نماد ایدئولوژیک رژیم بود، کنار گذاشتند. این جنبش نه تنها با پوشش همه خواسته های برحق آزادی و عدالت طلبی زنان و گروه های مبارز روحی تازه داد، بلکه شور و هیجان و احساس همبستگی تازه ای برای جنبش فمینیستی فراملیتی به ارمغان آورد.

با توجه به درس های برگرفته از تاریخ و تجربه اندوخته شده در بیش از چهل سال مبارزه روزانه بی امان، به بهای از دست رفتن زندگی دختران و مردان جوان و زنان مبارز، زنان ایرانی اجازه نخواهند داد، بار دیگر در جریان انقلاب و یا تغییرات ساختاری دیگری کنار گذاشته و خواسته هایشان فراموش شود. امروز، مردان و زنان فمینیست، چه در داخل و چه در خارج ایران، تعهد دارند که اصول و ارزش های جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به خواسته های عملی تبدیل کنند و مصمم هستند

که این اصول را در قانون اساسی آینده بگنجانند. زنان می خواهند قرارداد اجتماعی جدیدی برقرار کنند و برابری واقعی گونه گون زنان در تمام گستره ها تضمین شود.

در شروع این جنبش، همبود فمنیستی «زن، زندگی، آزادی» با هدف تدوین «اعلامیه حقوق زنان ایرانی» و بیان چشم انداز حقوق زنان در قانون اساسی آینده گرد هم آمدند. کاری که در انقلاب های پیشین به طور عمده نادیده گرفته شده بود. این نوشتار (و همچنین سایر منشور هایی از این دست) شامل تدابیر و ابتکاراتی است که سعی دارد از تکرار خیانت های گذشته جلوگیری کند و اطمینان حاصل کند که صدای زنان و خواسته هایشان در کانون مرکزی شکل گیری آینده کشور قرار خواهد گرفت.

" همبود فمنیستی " بر کرامت ذاتی، برابری و حقوق تمامی زنان و مردان به عنوان اصول بنیادین عدالت، آزادی و دموکراسی و همچنین بر تکثر و چندصدایی در ایران باز سازی و نوسازی شده ی آینده تأکید می کند. همبود فمنیستی خواستار آن است که موانع همیشگی برابری جنسیتی ریشه کن شود و جامعه آینده ایران نسبت به نابودی تبعیض و سرکوب سیستماتیک علیه زنان و دیگر اقشار و گروه های بی جا (رانده شده) در مناسبات قدرت جامعه، تعهدی محکم و قاطع داشته باشد. همبود فمنیستی با مشارکت گروه متعدد و متنوع زنان فعال مدنی، حقوق دانان، دانشگاهیان از اکتبر 2022 شروع و با چندین دوررفت و برگشت تدوین و در بازخورد بیش از 120 پیشنهاد از جامعه ایران و خارج از ایران نهایی شده است.

این نوشتار حقوقی، که ما بر آن نام لایحه زنان را نهاده ایم، خواسته های ما را بیان کرده و تأکید می کند که حقوق زنان و حقوق بشر، جهانی و غیر قابل تفکیک هستند. ما باور داریم که برقراری حقوق بشرو پایداری دموکراسی کثرت گرا تنها از مسیر تحقق حقوق زنان امکان پذیر می گردد.

این یک فراخوان برای اقدام به تحول قانونی و اجتماعی است که اطمینان می دهد، هر زن در ایران و رای نژاد، اتنیک، مذهب، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و توانایی یا هویتی، می تواند زندگی عاری از خشونت، تبعیض و ترس داشته باشد و به نحو احسن و کامل به فرصت ها و منابع مناسب ظرفیت های خود، دسترسی پیدا کند.

ما به دموکراسی کثرت گرا باور داریم که بر اساس تعهد به اعلامیه جهانی حقوق بشر بنا می شود و چرخش مسالمت آمیز قدرت را برای ساخت آینده ای با کرامت انسانی و تکثر سیاسی هموار می کند. ما با پرهیز از فراموشی تاریخی و درس گرفتن از گذشته برآنیم که به لزوم حفاظت از حقوق قانونی زنان با همه گوناگونی هایشان در قانون اساسی آینده پافشاری کنیم. ما هوشیار خواهیم بود که برابری جنسیتی به یک واقعیت قانونی بستر ساز فرهنگی، اجتماعی غیر قابل برگشت تبدیل شود.

برای دستیابی به کرامت زنان و تمامی شهروندان و ساکنان، ایران باید حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان ۱۹۹۳، و اجرای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۰) همراه با قطعنامه های پیرو را مصوب و رعایت کند. این اصول باید سنگ بنای قانون اساسی ایران در نظر گرفته شود.

ما باور و تاکید داریم که در کنار رسیدگی به جرایم کیفری، تمامی اشکال بی عدالتی قانونی - به ویژه، آن هایی که زنان و گونه گونی دینی را هدف قرار می دهند- و همچنین اعدام ها، شکنجه ها و زندانی کردن های سیاسی، و هر گونه تعرض های جنسی -جنسیتی باید از طریق چارچوبی از عدالت انتقالی که در قانون اساسی در نظر و قوام گرفته است، مورد رسیدگی قرار گیرد. عدالت انتقالی نه

تنها وسیله‌ای برای رسیدگی به سوءاستفاده‌های گذشته است، بلکه یکی از ارکان حیاتی برای پرورش فرهنگی خشونت پرهیز حامی صلح و گفت‌وگو و زمینه ساز برای عدم تکرار رفتارهای مشابه در آینده است.

ما حق تمامی افراد، به ویژه زنان، برای تعیین سرنوشت خود را تأکید می‌کنیم. ملت ایران تنها منبع مشروع قدرت، آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی و حقوق غیرقابل نقص هر زن، شهروند و ساکنان ایران است.



یادداشتی برای خوانندگان

اگرچه هدف ما تدوین لایحه حقوق زنان است و نه یک قانون اساسی کامل، اما به ناگزیر باید چارچوب بنیادین و خطوط کلی قانون اساسی همراستا با روح لایحه مورد نظر را مدون می‌کردیم، قانون اساسی‌ای که حفاظت از حقوق ما را تضمین کند. به همین منظور، ما اصول اساسی، روح و ارزش‌هایی را که برای این قانون اساسی ضروری می‌دانیم، مشخص کرده‌ایم. این سند با دیدگاهی چند وجهی و در هم تنیده پشتیبان مطالبات گسترده‌تر ما برای برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است. هفت ماده نخست این سند بر اصول بنیادین و روح قانون اساسی تمرکز دارد، اصولی که ما آن‌ها را برای تحقق و تأمین حقوق مندرج در این سند ضروری می‌دانیم. تنها پس از این بخش، به‌طور مشخص بر مطالبات حقوقی زنان در قانون اساسی تمرکز خواهیم کرد.

به‌طور کلی، دو نوع قانون اساسی وجود دارد. برخی از قانون‌های اساسی حداقلی هستند و تنها به بیان دغدغه‌های اصلی و چارچوب کلی حقوقی و سیاسی کشور می‌پردازند، و توسعه قوانین و سیاست‌های تفصیلی را به سیاستمداران، حقوق‌دانان، و دستگاه قضایی واگذار می‌کنند. با این حال، با توجه به تجربیات زنان در ایران و منطقه، و همچنین تمایل به نادیده گرفتن مطالبات زنان تحت پوشش فرهنگ و مذهب، ما مسیر دوم را برگزیده‌ایم. این رویکرد به مسائل حقوقی، سیاسی، و اقتصادی با جزئیات بیشتری می‌پردازد و فضای کمتری برای تفسیر محافظه‌کارانه سیاستمداران در جهت نادیده گرفتن یا تضعیف اهداف ما باقی می‌گذارد.

ما لایحه را در دو نسخه ارائه می‌کنیم. نسخه‌ی خلاصه‌تر شامل ماده‌های اصلی است که چارچوب قانون اساسی مورد نظر ما را ترسیم می‌کند—قانونی که به حقوق شهروندان پاسخ داده و خواسته‌های مشخص زنان را در بر می‌گیرد. این نسخه فاقد تفسیر یا دارای حداقل توضیحات است که با سبک مرسوم در نوشتار قانونی اساسی هم‌راستا است.

در مقابل، نسخه‌ی مفصل‌تر، به دلیل سلطه‌ی نگرش مردسالارانه در تفسیر قوانین اساسی، شامل زیرماده‌های دقیقی برای هر ماده‌ی اصلی است تا پیامدهای آن را برای قانون‌گذاری ملی و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی روشن کند. هدف ما این است که هر ماده و زیرماده‌های آن به‌طور جامع توسط کارشناسان، زنان و شهروندان علاقه‌مند بررسی و تحلیل شود و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه گردد. این فرایند هم به آگاهی‌بخشی درباره‌ی مسائل مرتبط با حقوق زنان کمک می‌کند و هم به اصلاح و تکمیل لایحه یاری می‌رساند.

ما امیدواریم که چندین و بینار را با محوریت ماده‌های مختلف لایحه برگزار کنیم تا زمینه‌ی بحث و تبادل نظر بیشتر را فراهم سازیم. همچنین، از سازمان‌های زنان در داخل و خارج از کشور دعوت می‌کنیم تا در فرآیند تکمیل و بهبود این لایحه مشارکت کنند و در پیشبرد آن سهیم باشند.

1 مجلس مؤسسان^{3، 4}

مجلس مؤسسان، که وظیفه تدوین و تصویب قانون اساسی را بر عهده دارد، باید نهادی منتخب و بازتاب‌دهنده تنوع جنسیتی، اتنیک⁵ و فرهنگی جامعه و متعهد به اصول جنبش 'زن، زندگی، آزادی' باشد. در تمامی حوزه‌های انتخاباتی، زنان باید حداقل ۵۰ درصد از نمایندگان را تشکیل دهند.

مجلس مؤسسان باید برای تدوین پیش‌نویس اولیه قانون اساسی با جریان‌های ذینفع، رایزنی و با نمایندگان شهروندان، احزاب و گروه‌های مدنی و سیاسی و مدافعان و فعالان حقوق زنان در سراسر ایران گفتگو کند. چنین فرآیند مشورتی و مشارکتی، فراگیری روح کثرت‌گرایانه و دموکراتیک حاکم در قانون اساسی را تضمین می‌کند.

1.1 پیش‌نویس قانون اساسی بعد از گفتگو با گروه‌های مردمی و متخصص، باید برای اعلام نظر در دسترس عموم قرار گیرد. رایزنی‌های عمومی باید در سراسر کشور انجام شود و زمان کافی برای دریافت و تأمل در بازخوردها در نظر گرفته شود.

1.2 پیش‌نویس قانون اساسی بعد از گفتگو با گروه‌های مردمی و متخصص، باید برای اعلام نظر در دسترس عموم قرار گیرد. رایزنی‌های عمومی باید در سراسر کشور انجام شود و زمان کافی برای دریافت و تأمل در بازخوردها در نظر گرفته شود.

1.3 قانون اساسی باید پس از رایزنی‌های لازم و در نظر گرفتن بازخوردهایی که در جریان رایزنی‌ها از عموم مردم دریافت شده است، به تنها مرجع تصویب آن - یعنی مردم ارائه و از طریق همه‌پرسی مصوب گردد.

³ توجه داشته باشید که در این سند، ما از واژه «حکومت» (State) برای اشاره به ساختار و نهاد های سیاسی کلی در قلمرو ایران استفاده کرده‌ایم. قانون اساسی (constitution) چارچوب حقوقی است که ساختار، اختیارات، وظایف یک دولت و همچنین حقوق و مسئولیت‌های شهروندان را تعریف می‌کند. «دولت» (government) به نهادها و گروه مشخصی از افراد یا سیستمی گفته می‌شود که قدرت را اعمال کرده و امور کشور را مدیریت می‌کند.

⁴ جمع همبود فمینیستی پس از گفت‌وگوهای طولانی تصمیم گرفت که این لایحه باید از اصطلاحات حقوقی پیچیده پرهیز کند و به زبان ساده نوشته شود تا برای هر فرد علاقه‌مند، صرف‌نظر از آشنایی آن‌ها با اصطلاحات حقوقی، به راحتی قابل درک باشد.

⁵ پیش از تدوین این لایحه حقوقی، بحث‌های گسترده‌ای درباره استفاده از واژه «اتنیک» صورت گرفت، واژه‌ای که اخیراً توسط برخی پژوهشگران و کارشناسان ایرانی در این حوزه به‌کار گرفته شده است. برخی از ما با این انتخاب مخالف بودیم و از واژه‌های «قوم» و «اقوام» حمایت می‌کردیم، زیرا این واژه‌ها سابقه تاریخی طولانی‌تری دارند و برای افراد بیشتری آشنا و قابل درک هستند. با این حال، دیگران، از جمله افرادی با پیشینه‌های غیر فارسی، واژه «اتنیک» را ترجیح می‌دادند و اشاره داشتند که واژه «قوم» به مرور زمان بار معنایی منفی شدیدی پیدا کرده است. در نهایت، جمع تصمیم گرفت از واژه «اتنیک» استفاده کند، با وجود این که بسیاری از ما همچنان در این باره تردید داریم.

2. سکولاریسم حکومتی⁶

تشکیل حکومت سکولار و دموکرات مبتنی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی با هدف پیاده‌سازی دموکراسی سالم و کثرت‌گرا و به رسمیت شناختن حراست، و ارتقای حقوق همه شهروندان و ساکنان کشور، فارغ از خاستگاه‌های جنسی-جنسیتی، نژادی، اتنیک، دین باور و دین ناباور، و دیگر مؤلفه‌های هویتی اهمیت بنیادین دارد. قانون اساسی باید سکولار باشد به طوری که در حکومت آینده عدم مداخله دین در وضع قوانین و اداره کشور تضمین شود.

2.1 در اسناد رسمی نباید هویت دینی شهروندان و ساکنان کشور ثبت شود.

2.2 دین امری خصوصی است. قانون اساسی باید انجام مناسک دینی شهروندان را مادامی که مخل آرامش سایر شهروندان نباشد، به عرصه عمومی کشیده نشود و به حقوق انسانی و زیست‌محیطی آسیبی نزنند، تضمین کند.

2.3 قانون اساسی باید به اصل تفکیک قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه تاکید، و مصرانه حکومت را ملزم به رعایت تفکیک قوای سه گانه مزبور کند. هدف از رعایت این اصل، تضمین تمامیت نظام و روح کثرت‌گرایانه و دموکراتیک است. پایبندی به تفکیک قوا منجر به شفافیت حکومت و مانع تمرکز قدرت می شود.

3. نهاد دادگاه عالی قانون اساسی

ایجاد نهاد دادگاه قانون اساسی باید در قانون اساسی پیش بینی شود. مسئولیت اصلی این دادگاه تفسیر اصول قوانین کشوری در سایه روح و ارزش های قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. دادگاه عالی قانون اساسی باید تضمین کند که قوانین و سیاست‌ها با ارزش‌ها، روح آزادی و مواد مندرج در قانون اساسی همخوان و سازگار باشند.

3.1 دادگاه عالی قانون اساسی باید کمیسیون های مستقلی برای تحقق برابری جنسیتی و رفع تبعیض اتنیک ایجاد کند. این کمیسیون ها از طریق نظارت، ارایه مشاوره و توصیه به مجالس قانونگذاری و سایر نهادهای قانونگذار و سیاست های دولتی باید اطمینان دهند که روح و عملکرد برابری جنسیتی و اتنیک در تمام عملکردهای دولت و نهادهای قانون گذاری و رعایت می شود.

3.2 جامعه مدنی و سازمان های زنان و حقوق بشری می توانند شکایات مستند خود را در ارتباط با عدم برابری انواع قوانین و سیاست های جاری جنسیتی به کمیسیون مستقل برابری جنسیتی ارجاع دهند. افراد نیز می توانند پس از طی مراحل قانونی جاری در نهاد های مرتبط، شکایت خود را در راستای برقراری روح برابری جنسیتی و حقوق شهروندی به کمیسیون های مربوط دادگاه عالی ارجاع دهند.

⁶ در حالی که ما به بحث‌های جاری پیرامون سکولاریسم و شیوه‌های گوناگون اجرای آن در کشورهای مختلف آگاه هستیم، در این سند، منظور ما مشخصاً جدایی دین از دولت است—بدین معنا که دین نباید هیچ گونه نقشی در امور حکومتی داشته باشد.

4. تضمین حقوق بشر

قانون اساسی باید همه حقوق بنیادین بشر را مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای شهروندان و ساکنان قلمرو کشور ایران صرف‌نظر از گرایش جنسی-جنسیتی، اتنیک، دینی، نژادی و مؤلفه‌های هویتی دیگر را به رسمیت بشناسد و تضمین کند. حقوق بشر، همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) تعریف شده است، باید برای تمامی شهروندان و تمامی افرادی که در قلمرو کشور زندگی می‌کنند، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، قومیت، گرایش جنسی، دین، یا هر هویت دیگری، در قانون اساسی تثبیت شود. همین‌طور برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد و اصول و روح آن باید جهت‌گیری اخلاقی قانون اساسی را در تمامی نهادهای حکومتی شکل دهد. در همین راستا قانون اساسی باید تأسیس یک کمیسیون مستقل حقوق بشر را الزامی کند تا ضمن نظارت بر وضعیت حقوق بشر، ترویج و گسترش ارزش‌های آن را نیز بر عهده داشته باشد.

4.1 حقوق بشر جهانی در ۹ سند محوری به انضمام پروتکل‌های اختیاری آن‌ها درج شده است که عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (UDHR)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (ICCPR)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (ICESCR)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ (DEVAW)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ (UNCAT)، کنوانسیون حقوق کودک (UNCRC) و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر قطعنامه‌های پیوسته به آن⁷. قانون اساسی باید متضمن و پاسدار مجموعه‌ای جامع و متشکل از حقوق بنیادی، از جمله برابری و رفع تبعیض و در هماهنگی با روح و محتوایی کامل با این اسناد باشد.

4.2 به منظور تضمین و حراست از حقوق بشر، حکومت باید متعهد به تصویب و تنفیذ ۹ سند محوری حقوق بین‌المللی بشر باشد و پروتکل‌های اختیاری آن‌ها را بی‌هیچ قید و شرطی امضا و تصویب کند، از جمله پروتکل‌های کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (DEVAW) ۱۹۹۳، و پروتکل کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت مجازات اعدام.

4.3 اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول و روح و اهداف مندرج در آن‌ها باید در قانون اساسی و مفاد آن گنجانده شوند و در تفسیر این حقوق، مورد توجه قرار گیرند.

4.4 قانون اساسی باید مجازات اعدام را ممنوع کند و به طور قانونی این خواسته دیرینه جامعه مدنی ایران را محقق کند.

⁷ شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۰ قطعنامه در مورد «زنان، صلح و امنیت» تصویب کرده است. این قطعنامه‌ها عبارتند از: ۱۳۲۵ در سال ۲۰۰۰، ۱۸۲۰ و ۱۸۸۸ در سال ۲۰۰۹، ۱۸۸۹ در سال ۲۰۱۰، ۱۹۶۰ در سال ۲۰۱۱، ۲۱۰۶ و ۲۱۲۲ در سال ۲۰۱۳، ۲۲۴۲ در سال ۲۰۱۵، ۲۴۶۷ و ۲۴۹۳ در سال ۲۰۱۹. این قطعنامه‌ها چارچوب برنامه «زنان، صلح و امنیت» را تشکیل می‌دهند.

4.5 احترام به حقوق بشر: حمایت از مفاد حقوق بشر و تضمین حمایت از آزادی های مدنی، آزادی بیان، آزادی آکادمیکی (علمی و دانشگاهی) و حاکمیت قانون ملی عادلانه و منصفانه.

4.6 در قانون اساسی باید تشکیل **نهاد مستقل حقوق بشر**، در راستای لایحه بین المللی حقوق بشر و اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (ICCPR, UDHR, ICESCR) و با پیروی از اصول پاریس منظور گردد⁸. این نهاد باید به ترویج، و حمایت حقوق بشر برای همه اقشار مردم اختصاص داشته باشد و وظائف آن نظارت و بررسی موارد نقض حقوق بشر در کشور است. این سازمان باید مستقل از نهاد های دیگر دولت به امور حقوق بشری بر پایه معیارهای بین المللی فعالیت کند تا از طرف سازمان ملل به رسمیت شناخته شود، همچنین این سازمان باید مستقل از دولت با دفاتر حقوق بشری سازمان ملل ارتباط داشته باشد.

5. تضمین معاهدات بین المللی حقوق بشری در سطح ملی

تمامی کنوانسیون های سازمان ملل متحد که به امضا و تصویب دولت به نمایندگی از طرف ملت و حکومت ایران می رسد باید از نظر قانونی لازم الاجرا باشند و به نحو مقتضی در همه انواع قوانین ایران بازتاب یابند.

5.1 حکومت باید مفاد تعهدات و استانداردهای معاهدات بین المللی مصوب را در چارچوب قانونی کشور بگنجاند و دادگاه ها و مقامات داخلی را به رعایت آنها ملزم کند.

5.2 دولت باید در آگاهی و اطلاع رسانی مفاد این معاهدات و قوانین داخلی منتج از آنها به مجاری ذی ربط از جمله مقامات حکومتی، قضات، وکلا، سازمان های جامعه مدنی و عموم مردم متعهد باشد.

5-3 برای اطمینان از اجرای مؤثر این معاهدات، دولت باید در درون وزرات خانه ها و دستگاه های حکومتی با توسل به نهادهای تخصصی و مستقل مانند کمیسیون حقوق بشر، سازوکارهایی نظارتی ایجاد کند. این نهاد نظارتی باید به صورت مرتب و دوره ای گزارش هایی درباره پایبندی کشور به معاهدات فوق تهیه کند و به نهاد های ملی و مدنی و نهادهای بین المللی ذی ربط ارائه دهد.

5.4 حکومت باید برای موارد نقض مفاد این معاهدات، راهکارهای مناسب و مؤثری تدارک ببیند. این راهکارها شامل رسیدگی عادلانه، پرداخت غرامت، و سایر اشکال جبران خسارت می شود.

⁸ اصول پاریس مجموعه ای از دستور العملی است که سازمان ملل متحد در سال 1993 به منظور تعیین استاندارد های نهاد های حقوق بشر (NHRI) تصویب کرده است. این اصول الزامات مربوط به استقلال کمیسیون حقوق بشر، تکرگرای و کارکرد مؤثر این نهاد ها در ترویج و حفاظت از حقوق بشر را تضمین می کند.

6 سازمان برنامه اقدام ملی⁹ (National Action Plans)

قانون اساسی باید ایجاد سازمان برنامه های اقدام ملی را (براساس قطعنامه 1325 زنان، صلح و امنیت) الزامی کند. هدف این سازمان ارتقاء و تسهیل مشارکت فعال و معنادار زنان در تمامی ساز و کار ها و نهاد های رسمی و غیر رسمی مرتبط با پیشگیری و حل منازعات با بودجه ای کافی خواهد بود. برنامه اقدام ملی در حوزه زنان، صلح و امنیت باید مأموریت داشته باشد که با ادغام دیدگاه جنسیتی در تمامی ابتکارات و راهبرد های صلح و امنیت به ترویج صلح و همبستگی ملی و پیشگیری از منازعات محلی و ملی بپردازد. این برنامه شامل حوزه های زیر خواهد بود:

6.1 سازوکارهای پیشگیری از تعارض: شامل ایجاد سیستم های هشدارزودهنگام، چارچوب های پیشگیری از درگیری، شناسایی و رسیدگی به زمینه های بالقوه تنش را قبل از تشدید آن ها و ساز و کارهای حل و فصل شکایات است. زنان باید بخش جدایی ناپذیر شکل گیری، تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرای این سازوکارها باشند؛

6.2 گفتگو و میانجیگری: تشویق گفتگو، مذاکره و میانجیگری بین طرف های درگیر برای کمک به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و جلوگیری از تشدید درگیری های خشونت آمیز؛

6.3 سیاست های کاهش تنش های زیست محیطی و اقتصادی: ارائه مشاوره به نهاد های دولتی برای سیاستگذاری های توسعه اقتصادی و سیاست های زیست محیطی با رویکرد مشارکت پذیری و هماهنگ کننده و ارائه پیشنهاد های راهبردی در راستای کاهش تنش های احتمالی ناشی از این سیاست ها؛

6.4 نقش زنان محلی، منطقه ای و ملی برای صلح: حمایت از سازمان های محلی، منطقه ای و ملی زنان و تشویق تبادل فرهنگی و به اشتراک گذاری تجارب حل اختلافات و درگیری ها؛

6.5 ایجاد انسجام اجتماعی: تشویق تعاملات بین گروهی، ترویج تبادل فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی با هدف همبستگی بیشتر میان جوامع مختلف کشور و ترویج حس وحدت ملی؛

⁹ پایه و اساس این دستور کار با تصویب قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل در سال 2000 گذاشته شد، که نتیجه سالها بسیجگری توسط مدافعان و سازمان های فراملی زنان بود. این قطعنامه تاریخی نقش حیاتی زنان را در مذاکره برای صلح و جلوگیری از درگیری های داخلی به رسمیت شناخت. با گذشت زمان، چارچوب زنان، صلح و امنیت (WPS) گسترش یافت و 9 قطعنامه دیگر به آن اضافه شد تا رویکردی جامع تر به صلح و امنیت ارائه دهد. بسیاری از کشورها این قطعنامه ها را پذیرفته و متناسب با شرایط ملی خود تطبیق داده اند، و از آن ها به عنوان ابزارهایی برای پیشگیری از درگیری های بزرگ و حفاظت از حقوق بشر شهروندان، به ویژه زنان و دختران استفاده کرده اند. این تلاش جهانی مداوم، نقش غیرقابل انکار زنان را در فرایندهای صلح و ضرورت نهادینه سازی مشارکت آن ها برای ایجاد صلح پایدار تأکید می کند.

7. عدالت انتقالی، پاسخ به دادخواهی ها¹⁰

قانون اساسی باید کمیسیونی متشکل از کارشناسان مستقل و با منابع کافی تأسیس کند تا به عنوان یک نهاد عدالت انتقالی مؤثر، به جنایات سازمان یافته حکومت جمهوری اسلامی رسیدگی کند. این کمیسیون موظف است انواع خشونت های دولتی، از جمله اعدام های خودسرانه ی گسترده ی سیاسی، شکنجه، و حبس غیرقانونی هزاران مرد، زن، اعضای جامعه ی رنگین کمان، اقلیت های مذهبی، اصلاح طلبان دینی و دگراندیشان عقیدتی، از جمله دین ناباوران، را که از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون صورت گرفته، بررسی کند. این نظام عدالت انتقالی باید بستری را فراهم کند که قربانیان بتوانند تجربیات خود را بیان کنند، مجرمان مسئولیت جنایات خود را بپذیرند، و جامعه بتواند با گذشته ی خشونت آمیز حکومت جمهوری اسلامی مواجه شود. هدف این فرایند، ایجاد زمینه برای آشتی ملی، شکل گیری دموکراسی غیرخشونت آمیز، و تبدیل این مسائل به یک گفتمان عمومی و ملی است، همچنین با حک در حافظه تاریخی از تکرار این نوع جنایت جلوگیری کند. علاوه بر این، این سیستم باید چارچوبی برای ارائه غرامت به قربانیان داشته باشد. در ایجاد این نظام عدالت انتقالی، باید به شرایط ایران و تجربیات کشورهای دیگر، مانند آفریقای جنوبی، که ابتکارات مشابهی را انجام داده اند، توجه دقیق شود.

8. عدالت انتقالی و زنان¹¹

زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، از آغاز جمهوری اسلامی با خشونت سیستماتیک دولتی، مستقیم و غیرمستقیم، مواجه بوده اند. با وجود سرکوب، آنان پیشگام بسیج اجتماعی برای دادخواهی، حمایت از قربانیان خشونت حکومتی، و مطالبه عدالت برای آنان و خانواده هایشان بوده اند. این زنان با تکیه بر تجربیات زیسته و خرد جمعی خود، خواسته هایی را مطرح کرده اند که باید در چارچوب عدالت انتقالی گنجانده شود.

8.1 ترکیب کمیسیون کارشناسان در حوزه عدالت انتقالی باید حداقل 50 درصد از زنان متخصص باشد. این کمیته همچنین باید شامل اقلیت های دینی و اقلیتی و اعضای جامعه رنگین کمان باشد.

8.2 کمیسیون متخصصان باید رایزنی های گسترده ای به ویژه با گروه های متشکل از زنان و مادران عدالت خواه انجام دهد و حق دستیابی به عدالت و دادخواهی و نه انتقام جویی را به گفتمان ملی تبدیل کند.

¹⁰ از آنجا که طراحی عدالت انتقالی فراتر از هدف این سند است، ما به جای آن اصولی را که معتقدیم باید در این فرایند گنجانده شوند، ارائه کرده ایم.

¹¹ به دلیل سرکوب گسترده و طولانی مدت در سال های حکومت اسلامی و آسیب های فیزیکی، روانی و مالی وسیعی که به زنان داغدار و خانواده هایشان وارد شده است، تلاش برای دستیابی به عدالت به یکی از ارکان اصلی تغییرات بنیادین اجتماعی تبدیل شده است. زنان، مادران، دختران و خانواده های داغدار، بار سنگین تلاش برای عدالت را در طول این دوره به دوش کشیده اند. در میان این زنان، گروه هایی مانند «مادران صلح»، «مادران خاوران»، «مادران پارک لاله» و سایر مادران داغدار و انجمن بازماندگان قربانیان پرواز PS752 در ایران، کانادا و چند کشور مرتبط با پشتکار به دنبال عدالت بوده اند. این زنان، با وجود از دست دادن همسران، فرزندان، برادران و تحمل درد فقدان یا ستم های تحمیل شده بر آن ها، مسئولیت سازمان دهی زندگی بازماندگان را نیز بر عهده گرفته اند. از این رو، آن ها بخش قابل توجهی از گروه عدالت خواه را تشکیل می دهند.

8.3 کمیسیون کارشناسان با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب ترین مسیر را برای ساماندهی نظام عدالت انتقالی انتخاب کند.

8.4 کمیسیون کارشناسان از طریق سیستم عدالت انتقالی، یک کمیته حقیقت یاب را تشکیل خواهد داد که وظیفه آن مستندسازی بی عدالتی های گوناگونی است که شهروندان - به ویژه زنان- تجربه کرده اند، این کمیته با در نظر گرفتن چالش های متقابلی که گروه های به کنار رانده شده با آن مواجه هستند، رویکردی حساس به جنسیت را مد نظر قرار می دهد و چالش های درهم تنیده ی اجتماعی، جنسیتی و انتیکی را در مستندسازی خود لحاظ می کند.

8.5 کمیته حقیقت یاب باید با سازمان های زنان که شهروندان را با دعوت به حقیقت، عدالت و جبران خسارت بسیج کرده و همچنین فرهنگ تساهل و گفت وگو را به یک فرهنگ همگانی تبدیل کرده اند، همکاری نزدیک داشته باشد.

8.6 عاملان اصلی نقض حقوق بشر و سوء استفاده از شهروندان باید بر اساس قانون و طبق قوانین دادگاه های رسمی پاسخگو باشند.

9 کمیسیون تحقیقات بررسی وریشه یابی قوانین خشونت زا و خشونت پرداز علیه زنان و اقلیت ها و جایگزین کردن آن ها با قوانین حقوق بشری¹²

قانون اساسی باید کمیسیون تحقیقات بررسی قوانین و ریشه یابی و ریشه کن کردن قوانین خشونت پرداز و خشونت زا علیه زنان و اقلیت ها را تشکیل دهد. اهداف این کمیسیون بررسی موارد خشونت محور علیه اقلیت ها و زنان است که در نتیجه نقض هر دو وجه از تعهد دولت، یعنی نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم عدم ارتکاب خشونت علیه زنان و اقلیت ها، و نقض تعهدات مثبت دولت به مفهوم حمایت و ارتقای ایمنی برای زنان و اقلیت ها، توسط دولت صورت گرفته است. چنین تحقیقی باید در چارچوب سیدا (CEDAW) و اعلامیه حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای ریشه کنی هر نوع خشونت و رفع همه اشکال تبعیض باشد. «کمیسیون تحقیقات ملی» و کمیته های فرعی آن برای تحقق اهدافشان موظف به همکاری با تشکیلات اقلیت ها و «تشکیلات کشوری زنان» (ماده ۲۱ این سند) و «کمیسیون ملی زنان» (ماده ۲۲ این سند) و کمیته حقیقت یاب و آشتی ملی و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3) و نظام عدالت انتقالی (ماده های 6 و 7 این سند) باشند.

9.1 کارشناسان این نهاد باید از متخصصان حوزه جنسیت و برخوردار از مؤلفه های گوناگون هویتی انتیکی، و جنسی- جنسیتی، دینی و دین ناباوران باشند.

9-2 کمیسیون تحقیقات ملی باید کمیته هایی متشکل از کارشناسان حقوقی و مطالعات اجتماعی با هدف ارزیابی خشونت قانونی علیه زنان و اقلیت های جنسیتی، مذهبی و انتیکی (که در جنبه های مختلف

¹² جامعه ایران، صرف نظر از جنسیت، نژاد، اقلیت های مذهبی به ویژه دین ناباوران و گروه های رنگین کمان (LGBTQ+)، نقض شدید حقوق بشر توسط دولت را به نام دین و «امنیت ملی» متحمل شده است. بررسی و شناخت این آسیب های ملی و رفع آن ها برای ایجاد ساختارهای حقوقی و فرهنگی قوی بر اساس اصول حقوق بشر و ایجاد فرهنگ ملی عدم خشونت ضروری است.

زندگی‌شان از بدو تاسیس رژیم جمهوری اسلامی، تجربه کرده اند) تشکیل دهد. معیار ارزیابی قوانین قبل از انقلاب است. تاکید ویژه باید روی موارد زیر باشد:

9.2.1 ارزیابی تأثیر قانون در وضعیت خانوادگی و احوال شخصی؛

9.2.2 بررسی جنبه های استقلال بدنی و جنسی-جنسیتی؛

9.2.3 ارزیابی اشتغال و مشارکت عمومی و سیاسی؛

9.2.4 ارزیابی آزادی های مدنی و شخصی.

9.2.5 کمیسیون تحقیقات ملی می باید یافته‌ها و گزارش‌های کمیته‌ها را در دسترس عموم مردم، جامعه مدنی و سازمان‌های زنان و اقلیت های جنسی جنسیتی، مذهبی و اقلیتی، قرار دهد. هدف از آن شکل دادن و ترویج گفت‌وگوهای ملی گسترده در مورد اشکال مستقیم و نامحسوس خشونت علیه زنان و گروه های مزبور است.

9.3 کمیسیون تحقیقات ملی و کمیته های زیر مجموعه آن باید با تشکیلات کشوری امور زنان (ماده 21 این سند)، کمیسیون ملی زنان (ماده 22 این سند)، و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3 این سند) و کمیسیون آشتی ملی و تشکیلات گروه های مختلف از جمله گروه های به حاشیه رانده شده همکاری کند، تا زمینه برای وحدت ملی و تشکیل یک فرهنگ دموکراتیک، رواداری و صلح طلب را فراهم آورد.¹³

9.4 کمیسیون حقیقت یاب و کمیته های فرعی آن باید یافته‌های خود را در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با قوه قضائیه و قوه مقننه به اشتراک بگذارند و بر اهمیت پرداختن به خشونت آشکار و ضمنی علیه زنان و اقلیت ها که طی دهه‌ها ادامه داشته است، تاکید کنند.

9.5 کمیسیون حقیقت یاب و کمیته‌های فرعی آن موظف به شناسایی و حذف سیاست‌ها و رویه‌های جمهوری اسلامی است که تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان و هویت های گونه‌گون را از طریق چارچوبی در هم تنیده تثبیت می کند. هدف از آن شناسایی و حذف آسیب‌هایی است که گروه‌هایی را با توجه به شرایطشان به حاشیه رانده است، از جمله گروه‌هایی که دچار آوارگی اجباری شده اند، اقلیت های دینی، و اعضای جامعه رنگین کمان و غیره

9.6 کمیسیون تحقیقات ملی و کمیته های فرعی آن باید پژوهشی جامع درباره اشکال متفاوت خشونت جنسیت محور، از جمله اسید پاشی، قتل ناموسی، و حمله به گروه‌های جنسی-جنسیتی و آزار و اذیت زنان و اقلیت ها انجام و یافته‌های خود را در دسترس عموم قرار دهد، و سیاست‌های پیشگیرانه مناسب را توصیه کند.

9.7 کمیسیون تحقیقات ملی» همه اشکال قلدری در فضای مجازی و خشونت و تهدید مبتنی بر جنسیت ، اقلیت و اقلیت های مذهبی در فضای مجازی از جمله خشونت سایبری که به طور خاص معطوف به زنان و اقلیت های جنسی-جنسیتی و مذهبی است را باید جرم تلقی کند و در این باره تحقیقات لازم انجام و توصیه‌های قانونی و اجتماعی مناسب را برای پیشگیری از آن ها ارائه دهد.

¹³ برای رسیدن به وفاق ملی نیاز به تشکیل یک کمیسیون آشتی ملی وجود دارد تا زمینه ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک، بردبار و صلح‌دوست را هموار کند. اگرچه ما به اهمیت در هم تنیدگی مطالبات آگاهیم ، با این حال، بحث درباره آشتی ملی بخشی از مأموریت این سند نبوده است. اما ما باور داریم که طراحی ساز و کار های تامین عدالت اجتماعی و عدالت انتقالی و آشتی ملی به صورت در هم تنیده و توانمند باید طراحی و اجرا شود.

9.8 «کمسیون تحقیقات ملی» باید با همکاری «تشکیلات کشوری امور زنان» (ماده ۲۱ این سند) و «کمسیون ملی زنان» (ماده ۲۲ این سند) و تشکیلات اقلیت ها توصیه‌های مربوطه را تدوین و به نهادهای قانون گذاری ارایه کند تا تغییرات قانونی لازم برای ریشه‌کن کردن تمامی ابعاد خشونت جنسیت و اقلیت محور محقق گردد.

9.9 کمسیون تحقیقات ملی باید سیاست‌ها و توصیه‌های جامعی را تدوین و به دولت ارائه کند تا بر اساس آن ها قوانین مناسب برای جلوگیری از خشونت، آزار و اذیت علیه زنان و اقلیت ها در همه مظاهر آن، در خانه یا مکان‌های عمومی، مدارس، مؤسسات آموزشی، و محل‌های کار تدوین گردد. این تحقیقات باید بر ارزیابی تأثیر قانون بر وضعیت خانوادگی و شخصی و همچنین بررسی جنبه‌های استقلال جنسی و بدنی، اشتغال، مشارکت عمومی و سیاسی و آزادی‌های مدنی و شخصی تأکید کند. ضروری است که یافته‌ها و گزارش‌های کمیته‌ها در سطح عموم مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های زنان منتشر و در مورد آن ها گفتمان‌های گسترده ملی صورت گیرد. این امر در راستای ارتقای آگاهی عمومی برای عدم پذیرش هر گونه خشونت علیه زنان و اقلیت ها، اعم از مستقیم، پنهان و غیرمستقیم است.

9.10 کمسیون تحقیقات ملی باید گزارش نهایی خود را در باره گذشته و حال به ویژه عملکرد جمهوری اسلامی در فرایند خشونت زای اسلامی کردن قوانین مربوط به زنان و اقلیت ها منتشر کند و در راستای اصلاح و ریشه کن کردن این خشونت ها، پیشنهادات لازم را ارائه دهد. دولت باید به این یافته ها و توصیه ها و اجرای آن ها در مدت زمان تعیین شده به عمل درآیند.

9.11 کمیته حقیقت یاب موظف است قوانین، سیاست‌ها، و رویه‌های موجود دولتی را که تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان و اقلیت ها را عادی‌سازی کرده و می کند، شناسایی و بر لغو آن‌ها تأکید کند، از جمله آسیب‌های در هم تنیده مؤثر بر گروه‌های اقلیتی، اقلیت های دینی، و جنسی-جنسیتی. (بدیهی است، قوانینی که بر اساس قانون اساسی پیرو اصول حقوق بشر نوشته و تنظیم می شود چنین ویژگی هایی را در بر نخواهد داشت).

9.12 «کمسیون تحقیقات ملی» با همکاری «تشکیلات زنان» و «کمسیون ملی زنان» باید از همخوانی و هماهنگی قوانین موجود و جدید با اسناد مربوط به حقوق بشر بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (DEVAW) اطمینان حاصل کنند.

9.13 قوانین جدیدی که برای منع خشونت مبتنی بر جنسیت و اتنیک تصویب می‌شوند باید در بر گیرنده مقررات پیشگیرانه قوی شامل رسیدگی به خشونت خانگی، آزار جنسی، قتل‌های ناموسی، ناقص سازی اندام جنسی زنان (ختنه زنان) و اقلیت باشند.

9.14 «کمسیون تحقیقات ملی»، همراه با «تشکیلات امور زنان ماده 21 این سند» و «کمسیون ملی زنان ماده 22 این سند» باید از طریق توسعه راه‌های ارتباطی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی فعال شود و به ارتقای آگاهی عموم مردم از قوانین حمایت از حقوق زنان نقش موثری داشته باشد.

9.15 حکومت باید اعضای پلیس، نیروهای امنیت عمومی، و قوه قضائیه را به گذراندن دوره‌های آموزشی در مورد مسائل جنسی-جنسیتی و حقوق زنان موظف کند.

10 حقوق شهروندی زنان : برابری و عدم تبعیض در برابر قانون

همه افراد در قلمرو ایران صرف نظر از تابعیت، دین، گرایش جنسی- جنسیتی، و اتنیکی و مؤلفه‌های هویتی دیگر در برابر قانون و تحت آن برابرند و حق برخورداری از حفاظت و مزایای برابر را دارند. حکومت موظف است همه اقدامات لازم را برای تحقق این حقوق بدون تبعیض اتخاذ کند.

10.1 حکومت باید در لغو قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسی - جنسیتی و گروه های به حاشیه رانده شده را در عرصه های مدنی، سیاسی و اقتصادی تداوم می بخشد، فعالانه اقدام کند. دولت باید به طور فعال برابری جنسیتی را تضمین کند و هرگونه تبعیض قانونی علیه زنان و اقلیت ها را از بین ببرد.

10.2 حکومت همچنین باید تمامی قوانین موجود کشور را مطابق با اسناد بین المللی حقوق بشر که ضامن برابری جنسیتی و اتنیکی و مؤلفه های هویتی دیگر هستند، در راستای تطابق با این ماده به صورت بنیادین تدوین، بازبینی و یا تغییر دهد.

10.3 حکومت باید برابری جنسیتی را فعالانه تضمین کند و هرگونه تبعیض قانونی علیه زنان و اقلیت ها را از بین ببرد.

10.4 قانون اساسی باید حقوق شهروندی برابر برای تمامی شهروندان و حمایت از ساکنان کشور را تأمین کند.

10.5 قانون اساسی باید حق آزادی اندیشه و بیان و آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای تمام شهروندان و ساکنان کشور به ویژه زنان و گروه های محروم از حقوق شهروندی و به حاشیه رانده شده را تضمین کند.

10.6 قانون اساسی باید حق تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز را برای همه شهروندان و ساکنان کشور به ویژه زنان و گروه های به حاشیه رانده شده تضمین کند.

11 حق حضور و امنیت زنان در جامعه و تردد در اماکن عمومی¹⁴

قانون اساسی باید حق آزادی تردد و حضور زنان را در اماکن و فضا های عمومی، بدون در نظر گرفتن طبقه، دین، قومیت، نژاد، جنسیت، یا هویت جنسی-جنسیتی، تضمین کند. این حق شامل برخورداری از امنیت فیزیکی و روانی در اماکن عمومی و هنگام سفر، در فضایی عاری از هرگونه خشونت جنسی-جنسیتی است.

11.1 قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسیتی را در حوزه عمومی تداوم می بخشد و مانع از حق تردد زنان می شوند باید لغو گردد. حکومت باید اطمینان حاصل کند که قوانین موجود در این راستا با اسناد مربوط به کنوانسیون بین المللی حقوق بشر تطابق دارند و قوانین جدیدی که وضع می شوند آزادی تردد زنان را تضمین می کنند.

¹⁴ فضای عمومی به هر محیط سرگشاده و یا بسته که برای عموم قابل دسترسی باشد، از جمله فضاهای دیجیتال، اشاره دارد. این تعریف شامل املاک خصوصی مسکونی، دفاتر کاری، یا محیط های کاری که برای مشتریان یا بازدیدکنندگان عمومی قابل دسترسی نیستند، نمی شود.

11.2 هر گونه خشونت و آزار جنسی، جسمی، کلامی، روانی، اقتصادی و انواع خشونت "ناموسی" مانند اسید پاشی و قتل های "ناموسی" نسبت به کودکان، زنان، و گروه های جنسی-جنسیتی صرف نظر از تابعیتشان باید جرم تلقی شود و عاملان خشونت باید بطور جدی مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

11.3 ارتقاء آگاهی های عمومی و رفع هر نوع خشونت و سلب امنیت از زنان و کودکان و گروه های جنسی-جنسیتی از وظایف و اولویت های جدی دولت است. برای تحقق این اهداف دولت می باید برنامه های جدی طرح کند و با سازمان ها و انجمن های زنان، برای ارتقاء فرهنگ احترام به آزادی های زنان و شهروندان همکاری کند.

11.4 همه افراد از جمله زنانی که به طور قانونی در ایران زندگی می کنند حق دارند بدون محدودیت به هر نقطه از ایران نقل مکان کرده و محل زندگی و کار خود را انتخاب کنند.

11.5 دولت موظف است برای تردد، و برخورداری از امکانات عمومی تسهیلات لازم را بران افراد توان یاب فراهم کند.

11.6 همه شهروندان، از جمله زنان، که به سن قانونی رسیده باشند، باید به تنهایی حق دریافت هرگونه مدرک شناسایی و گذرنامه را برای خود داشته باشند و نباید برای مسافرت و برخورداری از حقوق شهروندی ملزم به دریافت اجازه از پدر، همسر، شریک زندگی یا هر فرد دیگر و یا نهادی باشند.

12 تضمین دسترسی به آموزش باکیفیت علمی و سکولار

آموزش باکیفیت علمی، سکولار، فراگیر و عادلانه یک حق بنیادی بشر است و باید رایگان، برابر و بدون محدودیت برای همه ساکنان کشور، از جمله زنان، اقلیت های محروم، افراد توان یاب و اقوام و مذاهب گوناگون، در تمامی سطوح و رشته های تحصیلی در دسترس باشد.

12.1 قانون اساسی باید دسترسی برابر زنان را به آموزش، بی هیچ محدودیتی و در همه سطوح تضمین کند و دولت باید موظف به اجرای آن باشد.

12.2 دولت باید تدابیر و تسهیلات ویژه ای را برای تضمین دسترسی برابر زنان به آموزش در همه مناطق کشور و با توجه به شرایط متفاوت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آنها، تدارک ببیند (مانند خوابگاه برای دختران شهرستانی).

12.3 قانون اساسی باید حق تحصیل بدون تبعیض برای زنان و دختران در تمامی حوزه ها، رشته ها و سطوح آموزشی، و نیز برخورداری آنها از محیط آموزشی امن را تضمین کند و دولت ملزم به اجرای آن باشد.

12.4 دولت باید امکانات آموزش ابتدایی (در سطح مهد کودک و دبستان) را هم به زبان های مادری و هم به زبان رسمی برای همه شهروندان کشور فراهم کند.

12.5 سیاست های دولت به ویژه در مورد تخصیص بودجه آموزشی باید در راستای رفع نابرابری های اجتماعی و منطقه ای و موانع فرهنگی برای تمامی شهروندان و ساکنان کشور فارغ از تفاوت های جنسی، جنسیتی، اتمیکی و طبقه اجتماعی آنان باشد.

12.6 حکومت باید آموزش جنسی و به ویژه جلوگیری از امراض مسری جنسی و حفظ سلامت از جمله آموزش راه‌های امن پیشگیری از بارداری، تنظیم خانواده و نیز حقوق و مسئولیت‌های باروری را در برنامه‌های درسی سراسر کشور بگنجاند.

12.7 همه افراد فارغ از سن، جنسیت و گرایش‌های جنسی، باید به آموزش دسترسی داشته باشند و حق تحصیل آن‌ها نباید به لحاظ قانونی توسط والدین، حکومت، همسر و یا هر فرد حقیقی یا حقوقی محدود شود.

12.8 تمام کودکانی که در داخل مرزهای کشور زندگی می‌کنند صرف نظر از شهروندی آن‌ها حق برخورداری از امکانات آموزشی را دارند.

12.9 هیچگونه دین و آیین مذهبی نباید به عنوان یک ماده درسی در مدارس تدریس یا تبلیغ شود.

10.12 وزارت آموزش و پرورش موظف است برنامه درسی ملی مدارس را مطابق با الزامات قانون اساسی در خصوص برابری همه شهروندان و ساکنان نظارت کند.

12.11 زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در سراسر ایران می‌باید حمایت شوند، اما هرگونه شاخصه‌های فرهنگی که زن‌ستیز یا در تعارض با حقوق دیگر گروه‌ها باشد شامل این بند نمی‌شود.

13 دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت

قانون اساسی باید دسترسی زنان را به یک سیستم بهداشتی ملی، جامع، فراگیر و باکیفیت تضمین کند، که شامل خدمات مورد نیاز زنان توان‌یاب، بهداشت باروری، سلامت مادر و نوزاد، پیشگیری رایگان و ایمن از بارداری، آزمایش‌های تشخیصی دوران بارداری، و سقط جنین امن در سراسر کشور باشد.

13.1 برای اطمینان از عاملیت و استقلال بدنی زنان هر قانون یا سیاستی که زنان را برای تصمیم‌گیری در باره سلامتی‌شان ملزم به کسب اجازه و امضای همسر، شریک زندگی، یا هر فرد دیگری می‌کند غیرقانونی است و باید لغو شود. هرگونه قانونی که ناقض حق زن بر بدنش باشد، باید لغو شود در غیر این صورت عاملان نقض این حق باید، باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

13.2 نابرابری در ارائه خدمات بهداشتی به زنان در مناطق مختلف کشور، و در بخش‌های متفاوت خدمات بهداشتی از جمله در زمینه بهداشت باروری و تنظیم خانواده باید به‌طور مؤثر برطرف شود.

13.3 قانون اساسی باید دسترسی به امکانات بهداشت و سلامت عمومی، جنسی و باروری برای همه، صرف‌نظر از گرایش جنسی و هویت جنسیتی را تضمین کند، مانند لقاح مصنوعی (to In vitro fertilization, IVF).

13.4 دولت باید ناقص‌سازی جنسی زنان (ختنه زنان) را غیرقانونی و قابل پیگرد اعلام کند. سیاست‌های ملی بهداشت با توسل به آگاه‌سازی ملی و منطقه‌ای باید به این خشونت پایان دهند.

13.5 زنانی که به دلیل ابتلا به مشکلات جسمی یا روانی از ورود به بازار کار منع شده‌اند باید بسته بهداشتی ویژه دریافت کنند و از مستمری دولتی برخوردار شوند.

14 حقوق اقتصادی زنان، اشتغال و بازار کار

قانون اساسی باید فرصت‌های برابر برای ورود به بازار کار، دسترسی به سرمایه و اعتبارات، دستمزد برابر و تامین اجتماعی متناسب با نیاز، برای زنان را تضمین کند. بدیهی است شکوفایی توانایی‌های اقتصادی و رفاه پایدار زنان مستلزم آن است که الگوی توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور به سمت اشتغال‌زایی، برقراری نظام تامین اجتماعی سراسری، حفاظت از منابع طبیعی در همه ابعاد آن به ویژه آب، و توزیع عادلانه درآمدها هدایت شود، به گونه‌ای که فقر مطلق از میان برود و فقر نسبی کاهش یابد و توزیع ثروت به سمت عادلانه‌تر در جامعه پیش برود.

14.1 بر اساس حق برابری جنسیتی قانون اساسی، دولت موظف است، برخورداری زنان از حق دسترسی برابر به بازارهای کار خصوصی و دولتی، فرصت‌های برابر اشتغال، امکان انتخاب آزادانه شغل، حق برابر برای مهارت آموزی در همه حرفه‌ها، برخورداری از مزد برابر برای کار برابر، و تعطیلات دوره‌ای با مزد و مزایای بازنشستگی را بدون توجه به جنسیت آن‌ها تدارک و اجرای آن را تضمین کند.

14.2 در همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی باید نهادهای متشکل از زنان و کارشناسان جنسیت تشکیل شود. وظیفه این نهاد نظارت بر رعایت الزامات برابری مندرج در قانون اساسی در اشتغال و سایر سیاست‌های سازمانی است. این نهاد باید با تشکیلات امور زنان و کمیسیون ملی زنان برای اطمینان از رعایت بندهای برابری جنسیتی همکاری کند.

14.3 همه افراد، از جمله زنانی که به طور قانونی در ایران زندگی می‌کنند، حق دارند به دنبال کسب معیشت قانونی باشند.

14.4 دولت موظف است هرگونه تبعیض بر اساس توانایی باروری زنان را غیرقانونی اعلام کند و از بین ببرد. همچنین باید به رسمیت بشناسد که تربیت کودکان مسئولیتی مشترک میان والدین و جامعه است.

14.5 دولت باید مرخصی استحقاقی فرزندآوری برای والدین ضمن حفظ سابقه کاری و پرداخت حقوق را تضمین کند. بدیهی است که مدت مرخصی دوران زایمان زنان شاغل در بخش خصوصی و دولتی باید تماماً جزو سابقه کاری آن‌ها منظور شود.

14.6 آزادی زنان برای تشکیل سندیکاها، کارگری و صنفی و یا پیوستن به تشکیلات سندیکاها، کارگری موجود باید تضمین شود.

14.7 دولت باید کار خانگی، کار مراقبتی و کار زنان را در بخش اقتصاد غیر رسمی به رسمیت بشناسد و آن‌ها را در درآمد ملی و شاخص‌های توسعه کشور منظور کند. برای کار خانگی بیمه درمانی و از کار افتادگی در نظر بگیرد.

14.8 دولت باید برای زوج‌های مشغول به کار امکانات کاری در یک منطقه بوجود آورد.

14.9 دولت باید حق سالمندی یا ناتوانی برای کار کردن به دلیل آسیب یا بیماری را برای تمام زنان از جمله زنان توان‌یاب، خانه‌دار و همچنین زنانی که در اقتصاد غیررسمی فعال بوده‌اند را به رسمیت بشناسد. دولت باید حقوق مستمری را که ضامن زندگی باکرامت و امن باشد را برای آن‌ها فراهم کند.

14.10 همه بخش های اقتصادی و رفاهی دولتی، باید دارای دفتر اختصاصی متشکل از زنان و کارشناس جنسیت باشند که رعایت الزامات برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی رادر اشتغال و سایر سیاست های سازمانی باشد.

15 زنان و محیط زیست

تخریب و کاهش کیفیت محیط زیست تاثیر قابل توجه و فاجعه باری به ویژه از منظر جنسیتی، و بخصوص در مناطق روستایی و کشاورزی داشته است. قانون اساسی قانون باید تضمین کند که یک کمیته تخصصی اکوفمینیستی بخشی از نهاد سیاستگذاری، برنامه ریزی زیست محیطی ملی و محلی باشد. دستور کار توسعه پایدار سازمان ملل متحد برای سال 2030 به ویژه اهداف توسعه پایدار شماره 13، 6، 7 و 14 می توانند دستور عمل قابل دستیابی مناسبی را ارائه دهند.¹⁵

15.1 قانون اساسی باید دولت را موظف کند تا به تدریج یک سیستم سیاست های توسعه پایدار و سازگار با محیط زیست ایجاد کند. این شامل بهبود کیفیت تولید سوخت های فسیلی به گونه ای است که آسیب کمتری به محیط زیست وارد کند. همچنین، باید دولت را موظف کند که به تدریج به سمت استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر و پایدار حرکت کند تا آلودگی کاهش یابد، زیرا این مسئله تأثیرات جدی بر سلامت جامعه، به ویژه زنان دارد.

15.2 قانون اساسی باید دولت را مکلف کند که با برنامه های آموزشی در سطح مدارس و جامعه، آگاهی اجتماع را نسبت به اهمیت مسائل اقلیمی و حفاظت از محیط زیست ارتقاء بخشد.

15.3 دولت باید مکلف شود که قوانین و سیاستگذاری ها از مشارکت فعال زنان در حفاظت محیط زیست حمایت کنند، زیرا آنان از پیشگامان این حوزه بوده اند. با کسب آموزش های مناسب زنان می توانند به عنوان مربیان محیط زیست در خانواده، محله، شهر و کشور فعالیت کنند. آن ها می توانند به روند اصلاح عادات و روش های زیان آور کمک کنند و به بهبود مصرف منابع، جداسازی و بازیافت زباله ها و طرح ها و پروژه های بازیابی و حفاظت طبیعت یاری رسانند.

15.4 قانون اساسی باید ضامن استقلال فعالیت انجمن های زیست محیطی که با پیشتازی زنان آگاه ایرانی در دهه های گذشته راه اندازی شده است باشد و مشارکت آن ها را در فرایند تهیه و اجرای طرح های زیست محیطی تضمین کند.

15.5 قانون اساسی باید وزارت محیط زیست را مکلف کند که یک کمیته زنان متشکل از کارشناسان جنسیتی و فعالان محیط زیست را تشکیل دهد. وظیفه این کمیته نظارت، برنامه ریزی و ارزیابی ابعاد جنسیتی سیاست ها و پروژه های زیست محیطی است.

¹⁵ دستور کار 2030 طرح جهانی در سال 2015 توسط سازمان ملل متحد برای دستیابی به توسعه پایدار تصویب شد. این برنامه شامل 17 هدف توسعه پایدار (SDGs) که هدف آن ها رسیدگی به چالش های جهانی مانند فقر، نابرابری، تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست تا سال 2030 است. اهداف SDGs6 (آب پاک و بهداشت)، SDGs13 (اقدام اقلیمی) و SDGs14 (تمرکز و پاکسازی آب و زیست بوم آب و زیست بوم ها) هستند. این موضوع حائز اهمیت بسیاری است زیرا در حال حاضر مردم با چالش های مربوط به تضاد منافع در استفاده از منابع آب و پروژه های بهره برداری و تلاش های حفاظت از محیط زیست روبرو است.

15.6 قانون اساسی باید وزارت محیط زیست را ملزم کند که سیاست‌های مقابله با سوانح طبیعی تدوین کند. این سیاست‌ها باید ابعاد آسیب‌پذیری جنسیتی پیامدهای سوانح طبیعی را شناسایی کند و برنامه‌هایی برای رسیدگی به آن‌ها داشته باشد. در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تدوین قوانین به هنگام بازسازی مکان‌ها، فضاها و اجتماعات باید به نیازهای زنان توجه ویژه شود و از بازتولید تبعیض‌های جنسیتی موجود جلوگیری کند.

15.7 قانون اساسی باید دولت را ملزم کند که با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری‌ها و تدوین قوانین، نظام اداری جدیدی بر اساس مشارکت مردمی ایجاد کند، مطابق با معاهده 1325 سازمان ملل متحد (National Action Plan) با تأکید بر مشارکت معنادار زنان مقرر کرده است، برای حل اختلافات منطقه‌ای درباره استفاده از منابع، تدارک ببیند تا حفاظت از منابع آب، جنگل‌ها و حیات وحش، مقابله با بیابان‌زایی و گرد و غبار و آلودگی‌های زیست‌محیطی امکان‌پذیر شود.¹⁶

16 حق شکوفایی فردی، جسمی، هنری و فرهنگی زنان

حق زنان برای شکوفایی فردی، جسمی و فرهنگی باید در چارچوبی بین‌المللی و بر اساس دیدگاهی مبتنی بر برابری جنسیتی و رویکرد درهم‌تنیدگی جنسیتی مورد حمایت دولت قرار گیرد.

16.1 به منظور ارتقای سلامت روانی و جسمی زنان و خانواده‌ها، دولت باید امکاناتی برای استراحت و تفریح فراهم کند، از جمله ورزشگاه‌ها، پارک‌ها و مناطق و امکانات پیک‌نیک، و سرگرمی‌هایی مانند کنسرت عمومی، جشنواره‌ها و نمایشگاه ملی.

16.2 حکومت باید حق دسترسی برابر به امکانات ورزشی و برخورداری از سهم برابر در سرمایه‌گذاری دولت برای تربیت بدنی دختران و زنان و زنان توان‌یاب را فراهم و ضمانت کند. همچنین دولت باید برای مسابقات زنان در سطح کشوری و بین‌المللی اقدام و سرمایه‌گذاری کند.

16.3 دولت باید وجود فضاها و اماکن ورزشی عاری از هرگونه آزار و ناامنی را برای دختران و زنان و اقلیت‌های جنسیتی تضمین کند.

16.4 حکومت باید حق زنان برای مشارکت در توسعه فرهنگی، هنری، ورزشی، اقتصادی و علمی در تمام مناطق کشور را به رسمیت بشناسد، و دولت باید این حقوق ترویج و حمایت کند.

¹⁶ از آنجا که زنان در انواع تخصصات بین‌مناطق، از جمله تضادهای منافع در بهره‌برداری منابع محیط زیست آسیب‌پذیرند اجرای معاهده 1325 سازمان ملل که شرکت زنان را در حل منازعات الزامی می‌کند، باید در دستور کار قرار گیرد.

17 دسترسی به فضای مجازی

دولت باید حق دسترسی برابر و امن به اینترنت و فضای مجازی عاری از خشونت جنسی-جنسیتی را برای زنان تضمین کند.

17.1 دولت باید تمام اقدامات لازم را برای دسترسی به اینترنت در سراسر کشور از جمله مناطق روستانشین انجام دهد.

17.2 دولت باید دسترسی رایگان و آسان تمام نهادهای آموزشی از جمله مدارس سراسر کشور را به فناوری تکنولوژیک، به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در آموزش تضمین کند.

17.3 فضای مجازی بستری مهم برای فعالیت و مبادلات اقتصادی، علمی و فرهنگی است. به همین دلیل دولت باید از دسترسی بدون مانع اینترنت برای همه و به ویژه زنان را تضمین کند.

17.4 دسترسی به اینترنت از حقوق اساسی است. نهادهای حکومتی اجازه ندارند خودسرانه این حق را با اعمال محدودیت در برقراری اتصال، سانسور، فیلتر، و یا هر شیوه‌ای که دسترسی به فضای مجازی را محدود می‌کند، از افراد سلب کنند.

17.5 قلدری، ارباب، و خشونت‌ورزی در فضای مجازی غالباً ماهیتی جنسیتی دارد. دولت باید راهکارهایی برای ممانعت اعمال چنین اشکالی از آزار و اذیت زنان و گروه‌های جنسیتی در فضای مجازی را تدارک ببیند.

17.6 فضای مجازی بستر مهمی برای آزادی بیان است. دولت نمی‌تواند این حق را خودسرانه یا بدون حکم دادگاه معتبر، محدود کند.

17.7 قانون اساسی باید استفاده از اطلاعات دیجیتال افراد، از جمله موقعیت جغرافیایی و داده‌های بیومتریک مانند شناسایی چهره و صدا، را برای مقاصد امنیتی و نظارتی، در موارد ناقض آزادی‌های شهروندی، منع کند.

18. برابری حقوقی در عشق، خانواده، و زندگی مشترک

قانون اساسی باید اجرای قانون خانوادگی برابر و دموکراتیک را بدون توجه به گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی، اتنیکی، دینی یا هر مؤلفه هویتی دیگری، برای همه شهروندان و ساکنان کشور مطابق با اصول و روح مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، و سایر اسناد مرتبط سازمان ملل متحد را تضمین کند و دولت باید ملزم به اجرای آن باشد.

18.1 به منظور رعایت مفاد برابری جنسیتی که در قانون اساسی تصریح شده است، تمامی قوانین تبعیض‌آمیز و پیشداورانه، به‌ویژه قوانینی که در زمینه خانواده، ازدواج و وضعیت شخصی تحت جمهوری اسلامی و دوره‌های پیشین اعمال شده‌اند، لغو می‌شوند، حکومت باید برابری زنان را در برابر قوانین خانواده‌ای غیر تبعیض‌آمیز و عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز و حاوی برابری جنسیتی باشد، را ضمانت کند.

18.2 فارغ از جنسیت، ازدواج پیوندی بین دو نفر است که آزادانه و جمعی را تشکیل می‌دهند و افراد بالغ (بالای 18 سال) در تشکیل و انحلال آن حقوق برابر دارند.

- 18.3 همه ازدواج‌ها باید در سیستم حقوقی سکولار ثبت شوند و تمام قوانین ازدواج و خانواده باید بر اساس اصول سکولار تدوین گردند. تمامی مسائل حقوقی مرتبط با خانواده باید از منظر حقوقی سکولار بررسی شوند.
- 18.4 علاقه مندان به ازدواج‌های مذهبی متعاقباً می‌توانند این کار را انجام دهند، اما این باعث تغییر حقوق آن‌ها بر اساس قوانین سکولار کشور نمی‌شود.
- 18.5 همه قوانینی که اشکال مختلف گرایش جنسی و جنسیتی را جرم می‌دانند باید لغو شوند.
- 18.6 قوانین ازدواج و زندگی مشترک باید غیر تبعیض‌آمیز و منصفانه باشند و برابری طرفین را تضمین کند.
- 18.7 زنان حق دارند با هر فردی بدون در نظر گرفتن تابعیت و مذهب وی (همچون حق مردان در این زمینه) به انتخاب خود ازدواج یا پیوند برقرار کنند.
- 18.8 زنان حق دارند برای شرکای قانونی زندگی‌شان مجوز اقامت و کار بگیرند.
- 18.9 باید شرایط و ضوابط توزیع ثروت انباشته‌شده در طی مدت زندگی مشترک مشخص شود. در نبود چنین توافقی، ثروت انباشته‌شده باید به‌طور مساوی بین طرفین تقسیم شود.
- 18.10 مادران حق دارند تولد فرزندان خود را ثبت کنند و بدون توجه به وضعیت تأهل خود، نام خانوادگی خود را به فرزندان‌شان بدهند.
- 18.1 مطابق با مفاد برابری جنسیتی، قوانین تابعیت باید اصلاح شوند تا حق مادران برای انتقال تابعیت خود به فرزندان‌شان، بدون هیچ محدودیتی به رسمیت شناخته شوند.
- 18.12 مادران حق دارند برای فرزندان‌شان گذرنامه دریافت کنند.
- 18.13 حکومت باید تمام سنت‌های غیر انسانی را که به زنان و دختران آسیب می‌زنند، از جمله مبادله زنان برای پایان دادن به خصومت‌های قبیله‌ای (خون‌بس)، قتل‌های ناموسی، ازدواج کودکان، و سه طلاقه (بدون وقفه)، قسم طلاق (که در مواردی بین اهل سنت مرسوم است) را غیرقانونی اعلام کند. همچنین باید کارزارهای گسترده‌ای را برای آگاهی‌بخشی به جامعه درباره‌ی پیامدهای مخرب این سنت‌ها راه‌اندازی کند.

19 حقوق مشارکت سیاسی زنان

قانون اساسی باید حقوق سیاسی را برای تمامی شهروندان، که به سن قانونی بلوغ رسیده‌اند، بدون در نظر گرفتن جنسیت یا هویت‌های دیگر، برکنار از آزار، تهدید و خشونت تضمین کند. قانون اساسی باید حقوق سیاسی زنان و برابری جنسیتی را در همه پست‌های انتخابی برای نمایندگی سیاسی در تمام سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تضمین کند و زنان همواره پنجاه درصد کرسی‌ها را در تمام حوزه‌های انتخاباتی داشته باشند.

19.1 حکومت باید قوانین تبعیض‌آمیزی که نابرابری جنسیتی را در عرصه‌های مدنی و سیاسی تداوم می‌بخشند، بازبینی و تغییر دهد. حکومت همچنین باید تنظیم قوانین موجود را بر اساس اسناد

بین المللی حقوق بشر و خواسته های دیرینه زنان که ضامن برابری جنسیتی در حوزه سیاست و صلح پایدار هستند را، تضمین کند.

19.2 حکومت مسئول برگزاری دوره های انتخابات آزاد است. همه شهروندانی که به سن قانونی رسیده اند، صرف نظر از جنسیت، اتنیک، دین باور و خدا ناباور و یا هر مؤلفه هویتی دیگر، می توانند آزادانه در انتخابات نامزد شوند یا به نامزدهای انتخاباتی رأی بدهند.

19.3 زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، باید کرسی های سیاسی برابر با مردان در هر حوزه انتخاباتی، از جمله در انتخابات مجلس ملی و دیگر نهادهای انتخابی را دارا باشند. زنان باید مستقیماً توسط مردم انتخاب شوند و در تمام حوزه های انتخاباتی، تعداد نمایندگان زن و مرد برابر باشد. همچنین زنان باید ۵۰ درصد از کرسی های تمامی نهادهای تصمیم گیری و قانون گذاری در سطح ملی، منطقه ای و محلی را در اختیار داشته باشند.

19.4 صرف نظر از نوع نظام حکومتی کشور، زنان حق احراز تمام مناسب سیاسی و همین طور بالاترین مقام سیاسی کشور را دارا هستند. زنان باید 50 درصد پست های تصمیم گیری و سیاست گذاری های را در سطح استانی و ملی تشکیل دهند.

19.5 صرف نظر از نوع نظام حکومتی کشور قانون اساسی باید دولت را موظف کند که موانع دسترسی حضور نمایندگی سیاسی و مناسب تصمیم گیری های سیاسی برای زنان بر طرف کند، از جمله اقدامات دولت می تواند، تشویق زنان به نامزدی انتخاباتی از طریق حمایت های مالی، برگزاری کارزارهای حمایتی و آموزشی و سایر اقدام های مقتضی باشد.

19.6 قانون اساسی باید حق زنان را برای آزادی تجمع، انجمن و مشارکت در سازمان ها، از جمله تأسیس یا پیوستن به احزاب سیاسی بدون در نظر گرفتن وجه طبقاتی، هویتی، جنسی- جنسیتی، و اتنیک آن ها تضمین کند.

19.7 حکومت باید هرگونه خشونت (در فضای مجازی و غیر مجازی) علیه زنان را در قلمروی سیاسی، جرم علیه شخص و منافع ملی تلقی کند.¹⁷

20 نمایندگی و مشارکت معنادار زنان در سمت های تصمیم گیری و اجرایی

حکومت باید نمایندگی زنان و مشارکت معنادار و مؤثر آنان را در سمت های تصمیم گیری و پست های اجرایی در سطوح متفاوت، تضمین کند و برای تحقق این هدف تدابیر لازم را اتخاذ کند.

¹⁷ خشونت علیه زنان در قلمروی سیاسی به طور قابل توجهی در سراسر جهان افزایش یافته است. در ایران و دیگر کشورهای منطقه، این نوع خشونت که ناشی از تداوم عرف اجتماعی-ناموسی است که زنان در کانون آن قرار دارند، تأثیر عمیقاً منفی بر سطح مشارکت زنان گذاشته است. خشونت سیاسی علیه زنان در زمان انتخابات، چه به صورت فیزیکی و چه در فضای مجازی، شدت می گیرد. سازمان ملل متحد نیز در موارد متعددی به ماهیت دوگانه انقلاب دیجیتال پرداخته است. Elimination/Ending (Violence Against) Women in Politics)، در حالی که خشونت علیه زنان در فضای دیجیتال (VAW.P.E) یک مسئله شناخته شده است که توسط سازمان های بین المللی مورد توجه قرار گرفته اما یک قطعه نامشخص یا چارچوب مستقل از سوی سازمان ملل مصوب نشده است. با این حال این موضوع تحت کنوانسیون (CEDAW)-کنوانسیون رفع خشونت علیه زنان- به جنبه های خشونت علیه زنان در انتخابات و نیز سازمان ملل از طریق نهاد هایی مانند UN Women و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) به مسائل مربوط به آن پرداخته است، همچنین این موضوع در چارچوب دستور کار زنان صلح و امنیت و قطعنامه 58/142 مجمع عمومی سازمان ملل (2003) و نیز هدف شماره 5 توسعه پایدار 2030 (SDGs) در باره مشارکت سیاسی زنان اشاره شده است.

20.1 زنان با هویت‌های گونه کون باید پنجاه درصد از کل پست‌های تصمیم‌گیری اجرایی در حکومت را در سطوح ملی، استانی و منطقه ای در اختیار داشته باشند.

20.2 دولت باید برای حمایت و آموزش زنان و مردان با هدف همکاری‌های مسولانه و دو جانبه در راستای سمت‌های تصمیم‌گیری و اجرایی، آموزش و اقدام‌های لازم را به عمل آورد.

20.3 تمام وزارتخانه‌های دولتی باید دارای یک بخش نظارتی و اختصاصی با مدیریت زنان متخصص و کارشناس باشند تا اطمینان حاصل شود که سیاست‌های وزارت خانه‌ها با بندهای برابری محور قانون اساسی مطابقت دارند. این بخش‌ها باید با تشکیلات امور زنان (ماده ۲۱ این سند) و کمیسیون ملی زنان (ماده ۲۲ این سند) همکاری داشته باشند.

21 مشارکت زنان و دسترسی به عدالت در قوه قضائیه

قوه قضائیه باید ضامن رفتار برابر و منصفانه با زنان، و رای طبقه، باورهای دینی یا غیردینی (سنت‌های فرهنگی)، هویت جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آن‌ها باشد. به علاوه حکومت باید انتصاب قضات زن را در تمام سطوح قوه قضائیه تضمین کند.

21.1 مجموعه قضات قوه قضائیه باید شامل ترکیبی از افراد سراسر کشور با مؤلفه‌های هویتی مختلف آن‌ها باشد. قوه قضائیه باید برای تعلیم، تشویق و پرورش قضات و حقوق دانان از گروه‌هایی که در جایگاه‌های مناسب در ساختار فعلی قوه قضائیه محروم بوده اند، سیاست‌های تشویقی هدفمند برای مشارکت فعال آن‌ها داشته باشد.

21.2 در پست‌های قضاوت یا دیگر پست‌های مهم قضایی باید برابری جنسیتی تضمین شود.

21.3 باید حداقل ۵۰ درصد، از پست‌های قضاوت در دادگاه خانواده به گروه زنان و حقوقدان‌ها با هویت‌های در هم تنیده اختصاص یابد.

21.4 هر قانونی که با بندهای برابری قانون اساسی مغایرت داشته باشد باید ملغی اعلام شود. قوانین مدنی‌ای که مبتنی بر تبعیض جنسیتی یا برآمده از دین و سنت‌های فرهنگی هستند، از جمله تبعیض علیه زنان در مقام شاهد یا قوانین مربوط به دیه، ارث، و سایر قوانین تبعیض آمیز باید فوراً لغو شود. این قدم اول و لازم برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان است.

21.5 نهادهای قانونی باید طوری اصلاح شوند که بازتاب بندهای مربوط به مفاد برابری در قانون اساسی باشند باید اصلاح قوانین مربوط به احوال شخصیه از جمله قوانین خانواده که طی قرون و به ویژه در چهارده گذشته زمینه محرومیت و تبعیض علیه زنان بوده در اولویت، قرار گیرند.

21.6 قوانینی که روابط جنسی توافقی بین افرادی که به سن قانونی رسیده اند، و به ویژه اقلیت‌های جنسی را جرم می‌شناسد، باید فوراً لغو شوند.

21.7 قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت‌های دینی باید فوراً لغو شوند.

21.8 قوه قضائیه، مانند سایر وزارتخانه‌ها، باید یک بخش نظارتی اختصاصی با مدیریت زنان متخصص داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که سیاست‌های این وزارتخانه با مفاد و بازتاب برابری جنسیتی در قانون اساسی مطابقت دارند.

21.9 قانون اساسی باید تضمین کند که قوه قضاییه با نظام عدالت انتقالی (ماده 6 این سند)، کمیته رفع خشونت علیه زنان (ماده 7 این سند)، کمیسیون مستقل حقوق بشر (ماده 3.3 این سند) و کمیسیون ملی زنان (ماده 22 این سند) همکاری نزدیکی داشته باشد.

22 تشکیلات کشوری امور زنان: سازوکارهای اجرایی و نظارتی در ساختار سیاسی کشور

لازم است ساختاری مؤثر برای تحقق برابری جنسیتی مطابق با روح و مفاد قانون اساسی و در راستای برطرف کردن نابرابری‌های جنسیتی دیرینه اجتماعی و اقتصادی شکل بگیرد. قانون اساسی باید مناسب‌ترین چارچوب را برای «تشکیلات ملی امور زنان» به منظور نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و اجرایی آنها تدارک ببیند. به دلیل نامعلوم بودن نوع و ساختار حکومت آینده، شکل و ساختار تشکیلات زنان نیز به فوریت روشن نیست و لازم است در پیش‌نویس قانون اساسی درباره ویژگی‌های آن توضیح داده شود. پس در این سند از عنوان موقت «تشکیلات کشوری امور زنان» برای تعیین کارکرد این نهاد سیاسی استفاده می‌شود.

22.1 قانون اساسی باید تصریح کند که نهاد «تشکیلات کشوری امور زنان» به بودجه کافی مستقل و سایر منابع لازم برای انجام وظایف‌شان، دسترسی خواهند داشت.

22.2 وزارت‌خانه‌ها و نهادهای حکومتی باید ملزم به همکاری با «تشکیلات امور زنان» باشند.

21.3 تشکیلات کشوری امور زنان باید تحقیقات وسیع برای شناسایی نیازهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان انجام دهد و با در نظر گرفتن هویت‌های در هم تنیده آن‌ها و اقلیم‌های متفاوت، توصیه‌های اجرایی و سیاست‌های برابری محور جنسیتی ارائه دهد.

22.4 تشکیلات کشوری امور زنان باید تحقیقات گسترده‌ای در مورد بودجه‌بندی جنسیتی (-genderbudgeting) و سرمایه‌گذاری مناسب و مورد نیاز برای پیشرفت و شکوفایی زنان و دختران دختران در عرصه‌های فعالیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و فرهنگ از جمله ورزش، تحقیقات گسترده‌ای انجام دهد. نتایج این تحقیقات باید با عموم مردم از طریق ترویج گفت‌وگو، همچنین با سازمان‌های برنامه‌ریزی، با نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3 این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت (ماده 4.3 این سند) برنامه عمل ملی (plan of action) و صلح و امنیت زنان و با وزارت‌خانه‌های مربوطه به اشتراک گذاشته شود.

22.5 تشکیلات کشوری امور زنان «باید نقض مفاد برابری جنسیتی قانون اساسی را در قوانین موجود بررسی کند و راهکارهایی برای برطرف کردن آن‌ها به دولت پیشنهاد دهد، و در صورت لزوم شکایات را به کمیسیون مستقل برابری جنسیتی دادگاه عالی قانون اساسی (ماده 3.1 این سند) اعاده دهد.

22.6 تشکیلات کشوری امور زنان باید برای ریشه‌کن کردن تمام اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت اقدام کند. در این راستا باید تحقیقاتی را برای شناسایی رویه‌های قانونی، اقتصادی، و فرهنگی که خشونت علیه زنان را ترویج می‌کند و سیاست‌های مناسب برای ریشه‌کن کردن زمینه‌های خشونت را، طراحی کند. این تشکیلات باید هماهنگی و همکاری لازم را با نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3 این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت (ماده 3.4 این سند) و سیستم عدالت انتقالی (ماده‌های 6 و 7 این سند) و خشونت‌های ایجاد شده به از طریق قوانین علیه زنان (مندرج در بند 8 این سند) بعمل آورد.

22.7 «تشکیلات کشوری امور زنان» باید با مشورت کارشناسان، و سازمان‌های پی‌گیر برابری جنسیتی، سیاست‌های مناسبی را برای ایجاد سرپناه-خانه‌های امن برای قربانیان خشونت خانگی اتخاذ کند، و متعهد باشد که ایجاد خانه‌های امن را در اولویت قرار دهد.

23 کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women)¹⁸

قانون اساسی، باید الزام تشکیل کمیسیون ملی زنان (NCW)، در قالب نهادی مستقل و با شعبه‌هایی در تمام استان‌ها تاکید کند. این کمیسیون وظیفه‌ی دیدبانی در تنظیم، اجرا و پایش قوانین برابری جنسیتی را بر عهده دارد. کمیسیون ملی زنان با تاکید بر درهم تنیدگی و تنوع مسایل زنان، مغایرت قوانین و اجرای آن‌ها را در انطباق با ماده‌های مربوط به برابری جنسیتی مندرج در قانون اساسی نظارت و دیده‌بانی می‌کند. کمیسیون ملی زنان به عنوان یک نهاد کلیدی به منظور تقویت همکاری و ارتباط بین سازمان‌های حقوق بشر زنان و نهادهای دولتی در باره قوانین، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسائل زنان مربوط می‌شود، فعالیت می‌کند.

23.1 قانون اساسی باید این نهاد را به عنوان یک نهاد مستقل با بودجه کافی برای مأموریت خود تعیین کند.

23.2 تشکیل کمیسیون ملی زنان: 50 درصد از بدنه تصمیم‌گیری مرکزی کمیسیون ملی زنان باید از نمایندگان منتخب از سازمان‌های جامعه مدنی و 50 درصد مابقی توسط دولت از جمع کارکنان متخصص خود مربوط به مسائل زنان انتخاب گردند.

23.3 هیئت مدیره کمیسیون ملی زنان باید دربرگیرنده هویت‌های گوناگون ملی با دیدگاه درهم تنیدگی باشند. همه اعضای هیات مدیره باید دو وجه مشترک تخصص و تعهد به برابری جنسیتی را دارا باشند.

23.4 در راستای تضمین استقلال کمیسیون ملی زنان، پیشنهاد ریاست این نهاد باید به عهده سازمان‌های مدنی زنان باشد. رئیس کمیسیون ملی زنان پس از تأیید هیئت مدیره، توسط مجلس منصوب می‌شود.

23.5 دوره تصدی رئیس کمیسیون ۴ سال است و فقط برای یک دور دوم قابل تمدید می‌باشد. فرد منصوب نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی در این سمت باقی بماند.

23.6 این کمیسیون باید شامل دبیرخانه فنی و کمیته‌های تخصصی موضوعی با تمرکز بر آموزش، جوانان، ورزش، مشارکت سیاسی، امور قانونگذاری، زنان روستایی، توان‌خواهان، رسانه، محیط‌زیست و فعالیت‌های هنری و فرهنگی باشد.

¹⁸ با توجه به گسترش تبعیض در قوانین و شیوه‌های فرهنگی، بسیاری از کشورها اقدام به تشکیل یک نهاد مستقل کرده‌اند که اغلب به نام کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women) یا گونه‌ای مشابه نامیده می‌شود. این نهاد به منظور تنظیم و انسجام همکاری بین نهاد‌های مدنی زنان و حکومت تشکیل می‌شود و وظیفه آن مشاوره به نهاد‌های حکومتی مربوط به سیاست‌های جنسیتی است. همچنین در مورد ارتباط دولت و جنبش زنان، به منظور پاسخگویی بهتر دولت به مطالبات زنان و فعال بودن آن در برخورد با تبعیض علیه زنان را منسجم می‌کند.

23.7 وظایف کمیسیون ملی زنان موارد زیر را در بر می گیرد:

23.2.1 پژوهش: بررسی قوانین، سیاست‌ها، و اقدامات فرهنگی تبعیض‌آمیز علیه زنان، به‌ویژه گروه‌های جنسی-جنسیتی و انتیکی؛

23.2.2 ساز و کار های ارتقای آگاهی های جنسیتی : اتخاذ ساز و کار های مناسب برای ارتقای نهاد های حکومتی و عموم مردم دربارهٔ هنجارهای قانونی و فرهنگی که تبعیض علیه زنان و گروه های انتیکی و مذهبی و جنسیتی را عادی سازی می کند؛

23.7.3 ارتقای آگاهی های جنسیتی در قضات و سیستم قضایی: توسعهٔ محتوای آموزشی مناسب، برای ارتقای آگاهی جنسیتی میان قضات، مقامات حکومتی، پلیس و نیروهای امنیتی که موجب ارتقای و پذیرش دیدگاه برابری جنسیتی می گردد؛

23.7.4 کمیسیون آسیب های فرهنگی و اجتماعی: این کمیسیون باید کمیته های کارشناسی، تخصصی متشکل از کارشناسان حوزه جنسیتی تشکیل دهد. این کمیته باید از نمایندگان انتیک هاو گروه های جنسیتی، زنان و سازمان های جامعه مدنی برای شناسایی آسیب های اجتماعی و فرهنگی در مورد زنان مشورت بگیرد؛

23.7.5 توصیه های سیاست گذاری: کمیسیون ملی زنان بر اساس تحقیقات و یافته های خود توصیه هایی را با تاکید بر هدف رفع اختلافات سیستمی جنسیتی و آفرینش جامعه ای با برابری جنسیتی نهاده شده به دولت ارائه می دهد؛

23.7.6 رفع نابرابری های جنسیتی منطقه ای : از آنجایی که محور اصلی سیاست های پیشین تامین منافع کلان شهرها بوده نابرابری بین زنان دروستاها و شهرهای کوچکتر و به ویژه در انتیک های مختلف و گروه های دینی تشدید شده است، بنابراین لازم است با در نظر گرفتن پیشنهادات افراد ذی ربط، سیاست های خاصی برای رفع این تبعیض ها تدوین شوند.

23.8 کمیسیون ملی زنان باید از نزدیک با کمیسیون تحقیقات ملی در مورد خشونت دولتی – قانونی علیه زنان (ماده 8 این سند) همکاری کند و کمیته های متشکل از کارشناسات حوزه جنسیتی (ماده 22.7.4 این سند) و با مشورت با افراد مختلف قومی و جنسیتی و نمایندگان زنان و سازمان های جامعه مدنی تشکیل دهد.

23.9 کمیسیون ملی امور زنان باید با تشکیلات کشوری امور زنان، نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3 این سند) و برنامه اقدام ملی در مورد زنان، صلح و امنیت، (ماده ۳.۴ این سند) هماهنگی و همکاری نزدیک داشته باشد.

23.10 کمیسیون ملی زنان باید بخشی برای دریافت شکایات مربوط به نابرابری جنسیتی و آزار جنسی ایجاد کند، اقدام های بایسته را برای رسیدگی به دغدغه های موجود در این زمینه انجام دهد. یکی دیگر از فعالیت های این کمیسیون ترویج گفتمانی عمومی برای جلوگیری از این گونه سوء رفتارها خواهد بود.

23.11 کمیسیون ملی زنان باید در مورد تأثیر و پیامدهای قوانین پیشنهادی و موجود در مورد برابری جنسیتی به پارلمان ملی توصیه های لازم را ارائه دهد.

23.12 کمیسیون ملی زنان باید با همکاری «تشکیلات کشوری امور زنان» و «کمیسیون مستقل حقوق بشر» و «کمیسیون تحقیقات ملی» در سطح ملی جهت ارتقای سیاست‌های برابری جنسیتی و پاسخگوی به مطالبات زنان، به‌ویژه در مناطقی که از لحاظ تاریخی مزایای اقتصادی و اجتماعی اندکی از دولت مرکزی دریافت کرده اند، تلاش

23.13 کمیسیون ملی زنان باید مواد آموزشی لازم را برای ارتقای آگاهی عمومی نسبت به مفاد مربوط به حقوق بشر، تکرر، و برابری در قانون اساسی تدارک ببیند و احترام به این مفاد را فرهنگ سازی و نهادینه کند.

23.14 کمیسیون باید یک مرکز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان داشته باشد که کمک های مالی به سازمان های زنان ارایه کند، و مکانی را برای سازمان های زنان به منظور ملاقات و برگزاری جلسات بین گروهی فراهم کند.

23.15 کمیسیون ملی زنان باید در کنفرانس ها و نشست های منطقه ای و بین المللی شرکت کند و از تجربه های زنان در سایر کشورها بهره گیرد و همینطور تجربه های زنان ایران را با زنان دیگر منطقه و جهان درمیان بگذارد.

